





Measuring Spatial Power Inequalities in Iran: Economic-Political Power Matrix

Abolfazl Shahmohammadi 	PhD Student of Development Economics, Yazd University, Yazd, Iran
Mohammad Ali Feizpour* 	Associate Professor of Economics, Yazd University, Yazd, Iran
Mehdi Hajamini 	Assistant Professor of Economics, Yazd University, Yazd, Iran
Mohammad Abedi Ardakani 	Associate Professor of Political Sciences, Yazd University, Yazd, Iran

Abstract

Many studies have evaluated political power from a qualitative and quantitative perspective. But the present study tries to provide a quantitative criterion for calculation of power. To do this, using the country's budget law, the institutions that enjoys from national budget are identified and then the officials who are at the head of those institutions from each province are identified. Then the importance coefficient of each official is calculated based on multiplication of two indicators: the allocated budget to his/her institution or organization and the duration of his/her tenure in each year. The power matrix for each province is made. Finally, the power index for Iranian provinces is calculated using methods of Simple Additive Weighting, TOPSIS, and Numerical Taxonomy. Then, according to TOPSIS method, the regions of Iran were divided into four groups. The findings show fundamental inequalities in the distribution of economic-political power in the regions of Iran during the period of 2009-2019. Also, The most fluctuations in economic-political power index have occurred mainly in the middle groups. Since, most previous studies have emphasized regional inequalities in Iran based on various indicators, it seems that there is a correlation between the distribution of economic-political power and regional inequalities of Economic development. As a result, given the current status without change in the political power of the provinces, one can not expect a significant change in the economic development of the regions.

Keywords: Budget, Political Economy, Economic-Political Power, Power Matrix.

JEL Classification: P16 .D72.


- The present paper is extracted from the doctoral dissertation submitted in Partial Fulfillment of the Requirements for the PhD Degree in Economics/ Development Economics in Yazd University


* Corresponding Author: feizpour@yazd.ac.ir


How to Cite: Shahmohammadi, A., Feizpour, M.A., Hajamini, M., Abedi Ardakani, M. (2023). Measuring Spatial Power Inequalities in Iran: Economic-Political Power Matrix. *Iranian Journal of Economic Research*, 27 (93), 221- 271.




اندازه‌گیری نابرابری‌های فضایی قدرت در ایران: ماتریس قدرت اقتصادی-سیاسی

ابوالفضل شاه‌محمدی  دانشجوی دکتری توسعه اقتصادی، دانشگاه یزد، یزد، ایران

محمدعلی فیض‌پور * دانشیار، گروه اقتصاد، دانشگاه یزد، یزد، ایران

مهدی حاج‌امینی  استادیار، گروه اقتصاد، دانشگاه یزد، یزد، ایران

محمد عابدی اردکانی  دانشیار، گروه علوم سیاسی، دانشگاه یزد، یزد، ایران

چکیده

تاکنون پژوهش‌های گوناگونی، قدرت سیاسی را از منظر کیفی و کمی ارزیابی کرده‌اند، اما پژوهش حاضر می‌کوشد تا آن را در سطح مناطق ایران از منظر اقتصاد سیاسی، شاخص‌سازی و کمی‌سازی کند. بدین منظور، نهادها و سازمان‌هایی که به آن‌ها بودجه ملی تعلق گرفته، مشخص شده و افرادی که از هر استان در رأس آن نهادها قرار گرفته‌اند، شناسایی شدند. در ادامه، ماتریس قدرت برای هر استان با اختصاص ضریب اهمیت به هر فرد براساس دو نماگر بودجه تخصیصی در قانون بودجه و مدت زمان تصدی تشکیل شد. سرانجام شاخص قدرت اقتصادی-سیاسی هر استان و جایگاه آن با استفاده از روش‌های تاپسیس وزنی، تاکسونومی عددی و وزن‌دهی ساده برآورد و براساس آن مناطق ایران به چهار گروه پربرخوردار، نیمه‌برخوردار، کم‌برخوردار و محروم تقسیم‌بندی شدند. یافته‌ها گویای نابرابری اساسی در توزیع قدرت اقتصادی-سیاسی مناطق کشور در دوره زمانی ۱۳۸۸-۱۳۹۸ است که روند رو به‌بهبود نیز نداشته است. با وجود ثبات قدرت در دو گروه استان‌های پربرخوردار و محروم از قدرت، عمده تغییرات قدرت در سطوح میانی قدرت و به ویژه استان‌های نیمه‌برخوردار رخ داده است. از آنجایی که پژوهش‌های موجود براساس نماگرهای گوناگون، توسعه اقتصادی مناطق کشور را نیز توسعه‌ای ناهمگن دانسته، می‌توان تناظری را بین توزیع سطوح قدرت اقتصادی-سیاسی و سطوح توسعه اقتصادی در مناطق کشور مشاهده کرد. نتیجه آنکه با ادامه روند فعلی و بدون تغییر در سطوح قدرت سیاسی استان‌ها نمی‌توان تغییر محسوسی را در سطوح توسعه اقتصادی مناطق انتظار داشت.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد سیاسی، بودجه، قدرت اقتصادی-سیاسی، ماتریس قدرت.

طبقه‌بندی JEL: P16، D72.

– مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری رشته علوم اقتصادی گرایش توسعه اقتصادی دانشگاه یزد است.

* نویسنده مسئول: feizpour@yazd.ac.ir

۱. مقدمه

موضوع قدرت هم در ادبیات اقتصادی و هم سیاسی همواره به عنوان موضوعی چالش برانگیز مطرح بوده و نبود تعریفی واحد از آن، نشانگر این ادعاست. برای مثال، اقتصاددانان از یک طرف در سطح خرد، قدرت را توانایی تاثیرگذاری بر قیمت تعریف می‌کنند.^۱ از طرف دیگر، از دیدگاه کلان قدرت دولت و دخالت آن را مورد بررسی قرار می‌دهند. همچنین از بعد ملی و منطقه‌ای قدرت را در برخورداری از مزیت نسبی و رقابتی تفسیر و می‌کشند تا آن را با شاخص‌های مختلف قابل سنجش کنند.^۲

از بعد سیاسی نیز تعریف واحدی برای قدرت ارائه نشده است. از نظر هابز،^۳ قدرت عبارت از وسایلی است که برای دستیابی به امر مطلوبی در آینده در اختیار دارد و طبیعی یا ابزاری است.^۴ ماکیاولی^۵ قدرت را با امر مطلوب مترادف دانسته و آن را نوعی غایت ذاتی در نظر می‌گیرد (نبوی، ۱۳۷۹). راسل^۶ قدرت را به معنای پدید آوردن آثار مطلوب تعریف کرده و بیان می‌کند هرگاه در یک رابطه اجتماعی، فردی در موقعیتی قرار گیرد که بتواند اراده خود را با وجود مقاومت اعمال کند در واقع اعمال قدرت کرده است (Russell, 2006). از دیدگاه دال^۷ (۱۹۸۵)، قدرت به عنوان کنترل بر رفتار تلقی می‌شود. آرنت^۸ (۱۹۸۶) قدرت را توانایی آدمی برای عمل در اتفاق عمل با گروه می‌داند. استنباط پارسونز^۹ (۱۹۶۹) از قدرت عبارت است از توانایی کل یک نظام اجتماعی در به انجام رساندن

۱. در ادبیات اقتصادی، توانایی بنگاه در تاثیرگذاری بر قیمت بازار از طریق شاخص لرنر (۱۹۳۴) قابل محاسبه است.

۲. برای سنجش مزیت نسبی اقتصادی کشورها و مناطق، شاخص‌هایی نظیر شاخص بالا سا (۱۹۶۵)، شاخص مزیت نسبی آشکار شده و شاخص مزیت نسبی پویا معرفی شده است. در سنجش و کمی‌سازی مزیت رقابتی کشورها نیز می‌توان به شاخص‌هایی همانند سهم پایدار از بازار اشاره کرد.

3. Hobbes, T.

۴. قدرت طبیعی عبارت است از برتری قوای بدنی یا ذهنی مانند توانمندی، آداب‌دانی، دوران‌دیشی، دانشوری، سخنوری، بخشندگی و نجابت فوق‌العاده. قدرت ابزاری یا به واسطه همین قوا و یا به حکم بخت و اقبال به دست آمده و ابزارهای رسیدن به آن شامل مواردی از قبیل ثروت، شهرت و دوستان است (وکیلی، ۱۳۸۹).

5. Machiavelli, N.

6. Russell, B.

7. Dahl, R.

8. Arendt, H.

دیدگاه آرنت در مقاله‌ای با عنوان «قدرت مبتنی بر ارتباط» در کتاب «قدرت» توسط لوکس (۱۹۸۶) به چاپ رسیده است.

9. Parsons, T.

کارهایی که به نفع اهداف جمعی است. رضایت همگانی تولید قدرتی می‌کند که از طریق به کارگیری منابع اجتماعی به تصمیماتی الزام‌آور تبدیل می‌شود (Lukes, 1986).

پولانتزاس^۱ (۱۹۷۸) قدرت را توانایی یک طبقه اجتماعی برای تحقق منافع خاص عینی خود می‌داند. از دید فوکو^۲ (۱۹۷۸ و ۱۹۹۴) قدرت مفهومی عام و فراگیر است که در همه جا حضور دارد و در تمام شرایط ردپایش را می‌توان یافت (وکیلی، ۱۳۸۹).

جدیدترین تقسیم‌بندی از قدرت را می‌توان در آثار نای^۳ مشاهده کرد. وی، قدرت را به قدرت سخت^۴، قدرت نرم^۵ و قدرت هوشمند^۶ طبقه‌بندی می‌کند. قدرت سخت از دیدگاه وی، توانایی تغییر رفتار دیگران از طریق اجبار و تهدید است. قدرت نرم توانایی جذب بدون اجبار مردم به طرف خود است (Nye, 2004). قدرت هوشمند نیز به صورت توانایی ترکیب قدرت نرم و قدرت سخت تعریف می‌شود (آشنا، ۱۳۹۰).

با وجود تعاریف و معیارهای بالا، سنجش و کمی‌سازی قدرت ملی در عمل بسیار سخت است، زیرا قدرت با عوامل و متغیرهای کیفی پیوند خورده است. همچنین عوامل و متغیرهای قدرت در حوزه‌ها و قلمروهای مختلف جای می‌گیرند؛ یعنی، مولفه‌های آن متنوع هستند. پس کیفی بودن برخی عوامل و مولفه‌های قدرت و همچنین نبود تجانس میان آن‌ها از موانع عمده اندازه‌گیری و برآورد قدرت است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۹). محاسبه قدرت در سطح مناطق هر کشور نیز با چالش‌های یاد شده مواجه است.

بررسی مطالعات پیشین در زمینه توسعه مناطق ایران نشان می‌دهد که مناطق ایران همواره از توسعه ناهمگن برخوردار بوده و در گذر زمان نیز این نابرابری‌ها نتوانسته به صورت معنی‌داری کاهش پیدا کند. دلایل ارائه شده برای این نابرابری‌ها هم تا حد زیادی قابل قبول نیست، اما متناسب با ساختار اقتصاد سیاسی ایران می‌توان درک کرد که یکی از دلایل آن، نابرابری‌های قدرت سیاسی در مناطق ایران است.

-
1. Poulantzas, N.
 2. Foucault, M.
 3. Nye, J.
 4. Hard Power
 5. Soft Power
 6. Smart Power

همان طور که گفته شد، برای اندازه‌گیری قدرت ملی نماگرهای متفاوتی ارائه شده^۱، اما برای اندازه‌گیری قدرت سیاسی استان‌های کشور مطالعات چندانی انجام نگرفته است. بنابراین، انجام پژوهشی که قدرت سیاسی مناطق را با معیارهای کمی و به نسبت قابل قبول اندازه‌گیری و تلفیق کند، ضروری است؛ چراکه می‌تواند راه را برای پژوهش‌های آینده پیرامون ارتباط قدرت سیاسی و توسعه‌نیافتگی مناطق باز کند. در این استا، شناسایی مبنا و روشی برای کمی‌سازی قدرت منطقه‌ای از اهداف پژوهش حاضر است. این مطالعه می‌کوشد قدرت را از دریچه اقتصاد سیاسی مورد سنجش قرار دهد. از آنجا که اقتصاد سیاسی مفهومی معطوف به دوران مدرن به ویژه در ارتباط با شکل‌گیری مفهوم ملت-دولت است (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۶) در نتیجه از نگاه اقتصاد سیاسی، قدرت را می‌توان مقوله‌ای مرتبط با حاکمیت و دولت دانست^۲.

با وام‌گیری از تعاریف ذکر شده در حوزه علوم سیاسی که قدرت را در شدت توانایی تاثیرگذاری الف بر ب تعریف می‌کنند، می‌توان زمینه اندازه‌گیری آن را فراهم کرد. از بعد اقتصاد سیاسی، احتمالاً بتوان تجلی این تعریف را در نحوه تاثیرگذاری دولت بر اقتصاد مناطق در نظر گرفت؛ به ویژه آنکه برخی از صاحب‌نظران سیاسی از جمله ایستون^۳ معتقدند که در سیاست امر «تخصیص و توزیع آمرانه ارزش‌ها و خدمات در جامعه» از اهمیت و جایگاه بالایی برخوردار است (بخشایشی اردستانی، ۱۳۸۵ و عالم، ۱۳۷۳). عملکرد حاکمیت و بازیگران موثر در تحقق عدالت فضایی همواره با حاکمیت و دوره زمانی آن ارتباط دارد؛ به همین دلیل، دولت‌ها از نزدیک درگیر توزیع آمرانه منابع هستند.

با چنین رویکردی، پژوهش حاضر می‌کوشد تا با تعیین نماگرهای قدرت از بعد اقتصاد سیاسی، نحوه ترکیب آن‌ها و نیز محاسبه شاخص قدرت زمینه را برای منظور کردن تاثیرگذاری آن بر متغیرهای اقتصادی در استان‌های ایران فراهم کند. پس سوال اصلی پژوهش حاضر این است که چگونه می‌توان قدرت استان‌های ایران را از منظر اقتصاد سیاسی

۱. برای نمونه، خواننده می‌تواند به این منبع مراجعه کند: کتاب «قدرت و منافع ملی (مبانی، مفاهیم و روش‌های سنجش)» تالیف حافظ‌نیا (۱۳۸۹).

۲. خواننده برای مطالعه در این زمینه می‌تواند به کتاب «نظریه‌های دولت» تالیف اندرو وینسنت و ترجمه حسین بشیریه (۱۳۷۶) مراجعه کند.

3. Easton, D.

محاسبه کرد؟ اهمیت پاسخ به این سوال ناشی از این است که در کمتر مطالعه‌ای به آن اهتمام ورزیده شده است.

مطالب این پژوهش در شش بخش تنظیم شده است. بخش دوم به مرور نظریات قدرت از دیدگاه سیاسی و اقتصادی اختصاص دارد. در بخش سوم، پیشینه پژوهش شامل مطالعات خارجی و داخلی مرور می‌شود. این قسمت به مطالعاتی می‌پردازد که کوشیده‌اند تا معیاری را برای تعیین قدرت ارائه کنند. بخش چهارم به روش پژوهش می‌پردازد؛ به این صورت که ابتدا مراحل محاسبه تشریح شده و سپس ویژگی‌های شاخص قدرت اقتصادی-سیاسی معرفی شده بیان می‌شود. در بخش پنجم، محاسبات پژوهش گزارش شده و یافته‌های آن با مطالعات موجود مقایسه می‌شود. در قسمت پایانی نیز پیشنهادهای سیاستی و همچنین رهیافت‌هایی برای مطالعه‌های آینده در حوزه اقتصاد سیاسی و توسعه اقتصادی ارائه خواهد شد.

۲. قدرت از دیدگاه سیاسی و اقتصادی

در این بخش، مفهوم قدرت از دیدگاه نظریه‌پردازان سیاسی و اقتصادی مرور می‌شود. اولین نظریه‌های نظام‌مند مربوط به آرای هابز و ماکیاوولی است که پایه‌گذار اندیشه‌های کلاسیک در زمینه قدرت هستند. تفکرات هابز در مورد قدرت را می‌توان نقطه شروعی برای بررسی قدرت در دوره مدرن تلقی کرد. هابز، قدرت را به صورت امری مستقر بر فرد تعریف می‌کند که در سطح جمعی می‌تواند براساس توافق در دست شخص طبیعی یا مدنی واحدی قرار بگیرد. برای نمونه، قدرت دولت از این نوع است (وکیلی، ۱۳۸۹). بنابراین دیدگاه هابز با معیارهایی نظیر علمی بودن، قابل محاسبه بودن و تجربی بودن شناخته می‌شود و پیروان سنت هابزی نیز قدرت را امری رخدادی و عینی در نظر می‌گیرند. در مقابل، ماکیاوولی، قدرت را به هیچ فرد و مکانی محدود نمی‌کند. از دیدگاه وی، قدرت چیزی نیست که شهریاران آن را داشته باشند و ضرورتاً در درون فرد وجود ندارد (Clegg, 1989).

پس از آن، دو دیدگاه نخبه‌گرایی و کثرت‌گرایی در نقطه مقابل هم رشد و تکامل یافته که تا اواسط قرن بیستم جریان‌های حاکم بر اندیشه قدرت را تشکیل می‌دادند. جریان نخبه‌گرایی را می‌توان به نخبه‌گرایی اولیه (کلاسیک) و نخبه‌گرایی حاکم تقسیم‌بندی کرد. موسکا^۱ (۱۹۳۹) به عنوان یکی از پایه‌گذاران جریان نخبه‌گرایی بر این باور بود که در هر

1. Mosca, G.

جامعه‌ای نخبگان باید ضرورتاً حکومت کنند و حکومت هیچ پایه دیگری ندارد. میلز که از آخرین نظریه پردازان جریان نخبه گرایی است، مدعی است مقام و موقعیت نخبگان قدرت آن‌ها را قادر می‌سازد که از محیط‌های عادی جامعه فراتر روند. وی قدرت‌های اصلی در جامعه آمریکا را منحصر به سه حوزه اقتصادی، سیاسی و نظامی می‌داند. در هر یک از این قلمروهای نهادینه شده (اقتصاد، سیاست و ارتش) ابزار قدرتی که در اختیار تصمیم‌گیرنده است به طور فزاینده‌ای افزایش یافته و قدرت اجرایی مرکزی آن‌ها تقویت شده است (Clegg, 1989).

رویکرد هابز شکل دهنده طیف وسیعی از اندیشه‌ها بوده که کثرت گرایی نامیده می‌شوند. دیدگاه‌های این گروه حاصل نقد جریان نخبه گرایی است. این جریان با انتقادهای دال^۱ از نخبه‌گرایان شروع و با تحلیل‌های رادیکال لوکس^۲ (۱۹۷۴) از قدرت پایان می‌پذیرد. وی، انسان‌ها را به سه گروه آزادی‌خواه (لیبرال)، اصلاح‌طلب و رادیکال تقسیم کرده که هر مورد نشانگر یک بعد از قدرت است. انسان لیبرال بیشتر مطمح نظر دال بوده و با چراغ^۳ و باراتز^۴ به آن فرد اصلاح‌طلب نسبت به منافع را می‌افزایند. انسان رادیکال نیز نمایانگر بعد سوم منافع و قدرت؛ یعنی هژمونی^۵ است (Lukes, 1974).

نظریه‌های انتقادی قدرت به پیروی از اندیشه‌های مارکس کوشیده‌اند که قدرت را در ارتباط با جمع یا گروه تفسیر کنند. برای نمونه، آرنست^۶ (۱۹۸۶) در مقاله‌ای در کتاب «قدرت» که توسط لوکس^۷ جمع‌آوری شده بر قدرت مبتنی بر ارتباط تاکید دارد و قدرت را یک کنش جمعی و متعلق به مردم می‌داند. از دیدگاه او، قدرت هرگز خاصیت فرد نیست، بلکه به گروه تعلق دارد و تنها تا زمانی وجود خواهد داشت که گروه به حیات خود ادامه دهد. پارسونز نیز برای تبیین مفهوم قدرت از نظام اجتماعی کمک می‌گیرد. استنباط وی از قدرت عبارت است از «توانایی کل یک نظام اجتماعی در به انجام رساندن کارهایی که به نفع اهداف جمعی باشد». تجهیز رضایت همگانی تولید قدرتی می‌کند که از طریق به کارگیری

-
1. Dahl, R.
 2. Lukes, S.
 3. Bachrach, P.
 4. Baratz, M.S.
 5. Hegemony
 6. Arendt, H.
 7. Lukes, S.

منابع اجتماعی به تصمیمات الزام‌آور تبدیل می‌شود (Lukes, 1986). سرانجام رویکرد پسا ساختارگرایان مطرح است که از اندیشمندان دیگر متمایز است و تقریباً وام گرفته از اندیشه‌های ماکیاولی است. مشهورترین چهارچوب نظری در این گروه را فوکو^۱ (۱۹۷۸ و ۱۹۹۴) ارائه کرده است. از دید فوکو، قدرت مفهومی عام و فراگیر است و یک مفهوم ساده دستوری و از بالا به پایین نیست، بلکه در لایه‌های مختلف تعاملات اجتماعی و زبانی ریشه دارد. نظریه‌های دلوز^۲ و گتاری^۳ (۱۹۸۷) نیز در این زمره قلمداد می‌شوند.

با توجه به نظریه‌های سیاسی گفته شده می‌توان درک کرد که مفهوم قدرت در علوم سیاسی در فرد (مثلاً نخبگان سیاسی)، طبقات اجتماعی و یا در قدرت نسبی بین کشورها و سازمان‌ها جست‌وجو شده است. البته قدرت به ویژه در دیدگاه کلاسیک‌ها، نخبه‌گرایان و جریان انتقادی، بیشتر در تناسب با حاکمیت و دولت تعریف شده است. در همین راستا، مکاتب اقتصادی از مکتبالیست‌ها^۴ تا نهادگرایان^۵ به جایگاه قدرت دولت در اقتصاد تاکید داشته‌اند. دیدگاه‌ها در زمینه دخالت دولت در اقتصاد با فراز و نشیب‌هایی روبه‌رو بوده که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود.

گستره دیدگاه‌های موجود در زمینه قدرت دولت به قبل از اقتصاددانان کلاسیک برمی‌گردد؛ از یک سو، اندیشه سوداگرایان بر اقتدار دولت و کنترل دولتی استوار بود و از سوی دیگر، فیزیوکرات‌ها^۶ بر آزادی اقتصادی و نبود کنترل دولتی برای فعالیت‌های اقتصادی اصرار داشتند (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۶). با انتشار نظریه‌های اسمیت^۸ (۱۷۷۶) در کتاب «پژوهشی درباره ماهیت و علل ثروت ملل»^۹ دفاع از نظریه منع دخالت دولت در بازار جدی‌تر شد. اسمیت اختیارات دولت را به این موارد محدود کرد: دفاع از کشور در مقابل تهدیدهای خارجی و تامین قدرت نظامی، ایجاد نظم و امنیت داخلی و برقراری عدالت از طریق

1. Foucault, M.

2. Deleuze, G.

3. Guattari, F.

4. Mercantilists

5. Institutionalists

۶. خواننده می‌تواند برای مطالعه در زمینه عقاید مکتبالیست‌ها و فیزیوکرات‌ها به کتاب «تاریخ عقاید اقتصادی از افلاطون تا دوره معاصر» تالیف فریدون تفضلی رجوع کند.

7. Physiocrats

8. Smith, A.

9. An Inquiry into the Nature and Causes of the Wealth of Nations

دادگستری، تولید کالاها و خدماتی نظیر آموزش و بهداشت (پژویان، ۱۳۷۶). عقاید اسمیت توسط سی^۱ (۱۸۰۳) مورد ترویج قرار گرفت و وی کتاب مهم خود را در سال ۱۸۰۳ با عنوان رساله‌ای درباره اقتصاد سیاسی منتشر کرد.

پس از آن، ریکاردو^۲ (۱۸۱۷) در کتاب «اصول اقتصاد سیاسی و مالیات»^۳ نظریه بهره مالکانه (رانت)^۴ را ارائه داد که برخلاف اسمیت نقش ویژه‌ای را برای دولت در توزیع ثروت متصور می‌شد. میل^۵ (۱۸۴۸) نیز با انتشار کتاب «اصول اقتصاد سیاسی»^۶ به نقش توزیعی صحه گذاشت. از نظر میل، برای اصلاح اجتماعی سرمایه‌داری انتقال مالکیت از بخش خصوصی به بخش دولتی لازم نیست، اما باید راه را برای دخالت دولت در امور اقتصادی باز کرد تا دست به اقداماتی در جهت بهبود رفاه اجتماعی و توزیع درآمد عادلانه دست بزند (تفضلی، ۱۳۸۷).

در ادامه، لیست^۷ به نقد کلاسیک‌ها پرداخته و این مساله را مطرح کرد که قدرت مولد یک ملت تنها رابطه مادی و فنی نیست و عناصر دیگر نظیر فرهنگ را نیز در بر می‌گیرد. البته بیشترین انتقادات از اصول مکتب کلاسیک از سوی اندیشه‌های منتسب به مکتب سوسیالیسم بود. بر مبنای اصول سوسیالیسم قدرت اقتصادی نه در فرد، بلکه در بستر مالکیت جمعی معنا و مفهوم پیدا می‌کند (غفاری و چنگی آشتیانی، ۱۳۸۹).

در نیمه اول دهه ۱۸۷۰، سه کتاب مهم در حوزه اقتصاد توسط استانیلی جونز^۸، کارل منگر^۹ و والراس^{۱۰} به رشته تحریر درآمد که مکتب جدیدی به نام نئوکلاسیک را پایه‌گذاری کرد (غفاری و چنگی آشتیانی، ۱۳۸۹). این دهه را می‌توان نقطه عطفی در تغییر نگرش نسبت به نقش قدرت در اقتصاد دانست، زیرا اقتصاد سیاسی جای خود را به علم اقتصاد داد.

1. Say, J.B.
2. Ricardo, D.
3. On the Principles of Political Economy and Taxation
4. Theory of Rent
5. Mill, J.S.
6. Principles of Political Economy
7. List, F.
8. Jevons, W.S.
9. Menger, C.
10. Walras, L.

نهایی‌گرایان^۱ با ارائه نظریه مطلوبیت^۲ در سال ۱۹۳۰ تقویت شدند و سپس اقتصاد به سمت اقتصاد رفاه و انتخاب اجتماعی تغییر جهت داد. اوزان^۳ (۲۰۱۶) دو دلیل عمده برای عدم توجه اقتصاد نئوکلاسیک به قدرت به عنوان یک متغیر سیاسی عنوان می‌کند؛ اول اینکه اقتصاددانان نئوکلاسیک بیشتر کوشیده‌اند تا مفاهیم اقتصادی را بر پایه روش‌های ریاضی ساختاربندی و ارائه کنند. دوم اینکه اقتصاد نئوکلاسیک دامنه علم اقتصاد را محدود به حوزه‌هایی همچون تخصیص منابع و تعیین سطح قیمت‌ها در بازارها می‌داند. به طور دقیق‌تر، والر اس علم اقتصاد را مطالعه روابط میان اشیا می‌داند نه روابط انسان‌ها. نکته قابل توجه این است که اوزان (۲۰۱۶) نقطه شروع برای بازگشت به اقتصاد سیاسی را تلاش برای تعریف و روشن ساختن قدرت می‌داند.

با بروز بحران دهه ۱۹۳۰ و جنگ جهانی دوم، مجدد نقش قدرت در اقتصاد با آرای کینز^۴ (۱۹۳۶) رنگ تازه‌ای گرفت. کینز راه برون‌رفت از رکود را دخالت عمده دولت در فعالیت‌های اقتصادی عنوان کرد (قره‌باغیان، ۱۳۹۳). در دوران پس از کینز، تجزیه و تحلیل‌های اقتصادی ابعاد گسترده‌ای به خود گرفت. پیدایش و توسعه نظریه‌های اقتصادی هم در زمینه اقتصاد خرد (نظیر نظریه‌های رقابت انحصاری و رقابت ناقص) و نیز گسترش و نقد نظریه کینز در سطح کلان (نظیر تعیین درآمد ملی و اشتغال در شرایط اشتغال ناقص و چسبندگی دستمزدها) پایه‌های اساسی اندیشه‌های اقتصادی پس از کینز را در قرن بیستم رقم زد (تفضلی، ۱۳۸۷). پس از کنفرانس برتون وودز^۵ در سال ۱۹۴۴، نهادهای بین‌المللی نظیر بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول با هدف کمک به بازسازی کشورهای ویران شده در جنگ و حمایت از توسعه مناطق فقیرتر جهان تاسیس شده و پژوهش‌ها به بررسی عوامل توسعه‌نیافتگی کشورها متمرکز شد. این نهادها بر کاهش سیاست‌های حمایتی دولت در اقتصاد تاکید داشتند، اما در واقعیت اجرای این سیاست‌ها آثار مطلوب قابل توجهی به همراه نداشت (Harriss-White, 1996) و ندیری و پندار، (۱۳۹۴).

-
1. Marginalist
 2. Utility Theory
 3. Ozanne, A.
 4. Keynes, J. M.
 5. Bretton Woods Conference

عملکرد ضعیف برنامه‌های تعدیل ساختاری رویکرد جدیدی را درباره نقش دولت در اقتصاد مطرح کرد. نظریه‌های اقتصادی بر اصلاحات نهادی و ایجاد قابلیت‌های لازم برای حکمرانی خوب تاکید کردند. بنابراین، ساختار سیاسی جایگاه ویژه‌ای در مطالعه‌های مربوط به توسعه اقتصادی پیدا کرد؛ به گونه‌ای که ارتباط اقتصاد سیاسی قانون اساسی، تفکیک قدرت، بی‌ثباتی سیاسی، شکل حکومت (دیکتاتوری یا دموکراسی) با فرآیند رشد و توسعه اقتصادی مورد توجه قرار گرفت. بعد از افول اقتصاد سیاسی و قدرت از نیمه دوم قرن ۱۹ تا پایان نیمه اول قرن ۲۰ با ظهور ایده نهادگرایی جدید و گسترش حوزه بخش عمومی این نقش مجدد در ادبیات اقتصادی مطرح شد.

بر اساس چهارچوب نظری ارائه شده از قدرت در سیاست و اقتصاد، می‌توان اظهار کرد که تصمیمات حاکمیت و دولت (به عنوان شکل محدودتری از حاکمیت) همچون مصداق‌هایی از نهاد سیاسی با وجود فراز و فرودهای ذکر شده با اقتصاد عجین بوده است. با وجود شدت یا ضعف این دیدگاه‌ها، حاکمیت و دولت را می‌توان یکی از مصادیق اصلی قدرت به ویژه در کشورهای در حال توسعه تلقی کرد. بر این اساس، مطالعه حاضر می‌کوشد تا قدرت اقتصادی را از دریچه قانون بودجه کشور که طیف گسترده‌ای از نهادهای حاکمیتی و دولتی را دربر می‌گیرد، بررسی کرده و به کمی‌سازی پیوند اقتصاد و قدرت در قالب نگرش اقتصاد سیاسی پردازد. در ادامه پیشینه تجربی در این حوزه مرور خواهد شد.

۳. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های بسیاری وجود دارند که درجه برخورداری استان‌های ایران را از ابعاد و نماگرهای مختلف توسعه مورد بررسی قرار داده‌اند. در ادامه، به برخی از آن‌ها که در یک دهه اخیر انجام گرفته‌اند، اشاره می‌شود.

احمدی و همکاران (۱۳۹۹) پویایی‌های نابرابری‌های منطقه‌ای در استان‌های ایران را طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۹۵ واکاوی کرده‌اند. شاخص ترکیبی نابرابری با انتخاب ۲۵ نماگر در پنج بُعد اقتصاد کلان، علم و نوآوری، پایداری زیست‌محیطی، سرمایه انسانی و خدمات عمومی و با استفاده از روش تحلیل مولفه اصلی دو مرحله‌ای ساخته شده است. نتایج بیانگر آن است که در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵ استان تهران در رتبه اول و استان سیستان و بلوچستان در رتبه آخر جای گرفته است.

اسکندری عطا و همکاران (۱۳۹۸) نابرابری فضایی منطقه‌ای در ایران را از نظر عوامل محیطی و سیاسی طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۴ مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج حاصل از شاخص نابرابری ضریب تغییرات وزنی- جمعیتی نشان داده که استان‌های ایران طی دوره زمانی پژوهش، رشد بسیار نابرابری داشته‌اند. همچنین عوامل محیطی شامل توسعه شهری، منابع آبی و گردشگری رابطه منفی با نابرابری استان‌ها داشته و با افزایش هر یک از این عوامل شاخص نابرابری استان‌ها کاهش یافته است. علاوه بر این، با افزایش اندازه دولت در استان‌ها، نابرابری اقتصادی نیز بیشتر شده است.

پریزادی و میرزاده (۱۳۹۷) توسعه منطقه‌ای در ایران را در ۳۱ استان و براساس ۳۳ شاخص و در چهار بعد (اقتصادی، زیربنایی-کالبدی، اجتماعی-فرهنگی و بهداشتی-درمانی) تجزیه و تحلیل کرده‌اند. در این پژوهش از تکنیک‌های تحلیل عاملی و تحلیل خوشه‌ای استفاده شده است. براساس یافته‌ها، در کل دوره مورد مطالعه استان تهران در بالاترین سطح توسعه و استان سیستان و بلوچستان در پایین‌ترین و محروم‌ترین جایگاه قرار گرفته است.

کریمی موعاری و براتی (۱۳۹۶) نابرابری‌های منطقه‌ای ایران را با ۲۵ نماگر در ۵ بعد مختلف (اقتصادی، دانش و سرمایه انسانی، زیربنایی، اجتماعی-فرهنگی، و بهداشتی-زیست محیطی) تعیین کرده‌اند. بدین منظور روش تحلیل مولفه اصلی دو مرحله‌ای به کار گرفته شده و مشخص می‌شود که استان تهران، یزد و سمنان به ترتیب در زمره استان‌های بالاترین سطح توسعه قرار داشته و استان سیستان و بلوچستان نیز در انتهای جدول قرار دارد. شهیک‌تاش و همکاران (۱۳۹۴) میزان عدم تعادل فضایی و منطقه‌ای رفاه در استان‌های ایران را مورد بررسی قرار داده‌اند. در این پژوهش از شاخص رفاه سن^۱ و کشش تابع رفاه اجتماعی در سال ۱۳۹۰ استفاده شده است. نتایج پژوهش گویای این است که استان‌های تهران، بوشهر و مرکزی بیشترین سطح رفاه سرانه و استان سیستان و بلوچستان کمترین سطح رفاه را داشته‌اند.

ابراهیم‌زاده و همکاران (۱۳۹۱) تحلیلی فضایی از نابرابری‌های منطقه‌ای میان مناطق مرزی و مرکزی ایران ارائه داده‌اند. روش این پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و تحلیل‌های

1. Sen, A.

توسعه‌یافتگی با استفاده از دو روش وزن‌دهی آنتروپی شانون^۱ و مدل تاپسیس^۲ انجام گرفته است. یافته‌ها بیانگر آن است که مناطق مرکزی ایران حدود ۳ برابر بیشتر از مناطق مرزی توسعه‌یافته‌ترند.

توکلی‌نیا و شالی (۱۳۹۱) نابرابری‌های منطقه‌ای را بر اساس ۶۰ شاخص فرهنگی-اجتماعی، صنعتی، اقتصادی-جمعیتی، کالبدی-زیربنایی و بهداشتی-درمانی با بهره‌گیری از روش تحلیل عاملی استخراج کرده‌اند. سپس با روش تاکسونومی^۳ نشان داده شده که در سال ۱۳۸۵ یک استان توسعه‌یافته، ۴ استان به نسبت توسعه‌یافته، ۷ استان سطح توسعه متوسط، ۱۹ استان توسعه‌نیافته و یک استان محروم بوده است.

عبداله‌زاده و شریف‌زاده (۱۳۹۱) به تعیین سطوح توسعه فضایی استان‌های ایران با استفاده از ۴۱ شاخص که در سه گروه اجتماعی، جمعیتی و فرهنگی (۱۴ شاخص)، اقتصادی (۱۳ شاخص) و زیرساختی و خدماتی (۱۴ شاخص) اهتمام ورزیده‌اند. نتایج آن‌ها نشان داده که استان‌های تهران، سمنان و اصفهان توسعه‌یافته‌ترین بوده و استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، لرستان و سیستان و بلوچستان از پایین‌ترین سطح توسعه برخوردار بوده‌اند.

لیلیان و همکاران (۱۳۹۰) با روش سنجش سطح تمرکز به تعیین سطوح توسعه استان‌ها در سال ۱۳۸۵ پرداخته‌اند. این مطالعه نتیجه گرفته که به لحاظ توسعه منطقه‌ای بین استان‌های کشور نابرابری و عدم تعادل وجود دارد. استان‌های خراسان جنوبی، خراسان رضوی، مازندران، گیلان، سمنان، یزد، اصفهان، قم و تهران در بالاترین سطح توسعه (فرا توسعه) و سه استان ایلام، کردستان و سیستان و بلوچستان در پایین‌ترین سطح (فرو توسعه) قرار دارند. همانگونه که مشهود است، پژوهش‌های یاد شده اغلب به نابرابری‌های منطقه‌ای در ایران اشاره داشتند و این نقطه مشترک آن‌ها تلقی می‌شود؛ منتها از ذکر دلیل برای این ناهمگونی‌ها غفلت کردند. علاوه بر این، پژوهش‌هایی به بررسی نحوه تاثیر توزیع قدرت بر نابرابری‌های منطقه‌ای به ویژه در زمینه تخصیص منابع اهتمام ورزیده‌اند. در ادامه به برخی از این پژوهش‌ها اشاره می‌شود.

-
1. Shannon Entropy Method
 2. TOPSIS Method
 3. Taxonomy Method

کنک- مسیل و همکاران^۱ (۲۰۲۱) پیامدهای فساد را بر نابرابری درآمدی کشورهای منتخب جهان مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که سطوح پایین‌تر فساد با کاهش نابرابری‌ها در سطح جهانی صرف نظر از انواع فساد مرتبط است. البته این رابطه تنها در کشورهای در حال توسعه (به دلیل توزیع نابرابر قدرت سیاسی) برقرار است. فراز و همکاران^۲ (۲۰۲۰) چگونگی تاثیر تمرکز قدرت سیاسی بر توسعه دیکتاتوری نظامی برزیل را در دهه ۱۹۶۰ ارزیابی کرده‌اند. براساس یافته‌های این پژوهش، شهرداری‌هایی که قبل از دیکتاتوری دهه ۱۹۶۰ از نظر سیاسی تمرکز بیشتری داشته‌اند با اینکه در ابتدا فقیرتر بودند در سال ۲۰۰۰ نسبتاً ثروتمندتر شده‌اند.

اولجنیک^۳ (۲۰۱۹) کوشیده تا تحلیل کمی از هزینه‌های مربوط به حقوق و دستمزد در اداره دولت‌های خودگردان لهستان در دو سطح شهرستان (۲۰۱۸-۲۰۰۷) و استان (۲۰۱۸-۱۹۹۹) ارائه کند. برآورد با داده‌های تابلویی نشان داده که افزایش حقوق به قدرت ائتلاف حاکم و همچنین بیکاری و شکاف تولید در یک منطقه بستگی داشته و تحت تاثیر انتخابات آتی است.

کوروالان و همکاران^۴ (۲۰۱۸) تاثیر قدرت بر تخصیص بودجه به شهرداری‌های محلی را در کشور شیلی ارزیابی کرده‌اند. نتایج نشان داده که دولت در سال‌های انتخابات پرداختی به شهرداری‌ها را افزایش می‌دهد.

دیس و استفان^۵ (۲۰۱۷) توزیع قدرت در مجلس لبنان را ارزیابی کرده‌اند. آن‌ها از تعداد کرسی‌های اشغال شده توسط دو گروه مسلمانان و مسیحیان به عنوان معیار اندازه‌گیری قدرت استفاده کرده و نتیجه می‌گیرند که در پارلمان روابط قدرت تغییر کرده و مسلمانان از مسیحیان قدرتمندتر شده‌اند.

کارون^۶ (۲۰۱۶) به بررسی عوامل منطقه‌ای ناهمگنی در ۱۷۱ منطقه اتحادیه اروپا طی دوره ۲۰۰۷-۲۰۱۳ پرداخته است. نتیجه آنکه در مناطق با خودمختاری پایین بودجه بیشتری

1. Keneck-Massil, J., et al.

2. Ferraz, C., et al.

3. Olejnik, L.

4. Corvalan, A., et al.

5. Diss, M. & Steffen, F.

6. Charron, N.

به دولت‌های با کیفیت پایین‌تر اختصاص یافته و در مناطق با خودمختاری بالا بیشتر منابع به دولت‌های با کیفیت بالاتر سوق داده شده است.

عبدلای^۱ (۲۰۱۴) کوشیده تا نابرابری فضایی در کشورهای در حال توسعه را با توجه به نحوه روابط قدرت بین نخبگان حاکم ارزیابی کند. وی نتیجه گرفته که موفقیت در کاهش نابرابری‌های مکانی و منطقه‌ای به نحوه توزیع قدرت سیاسی در بین نخبگان منطقه بستگی دارد.

پالانیسوامی و کریشنان^۲ (۲۰۱۲) ارتباط قدرت محلی با تخصیص منابع را در ۸۰ شورای روستایی ایالت کارناتاکا هند مورد ارزیابی قرار داده‌اند. براساس شواهد پژوهش، روستاهایی که با حزب مسلط همفکر بودند، منابع بیشتری به دست آوردند.

رینو و آلگاد^۳ (۲۰۱۱) ارتباط قدرت چانه‌زنی احزاب منطقه‌ای و میزان تخصیص بودجه به مناطق اسپانیا را طی دوره ۱۹۸۶-۲۰۰۶ با استفاده از مدل داده‌های ترکیبی برآورد کرده‌اند. طبق نتایج این پژوهش، به نظر می‌رسد هیچ تعصبی در توزیع منابع به نفع حزب کاتالونیا وجود ندارد، اما برخورداری بیشتر حزب سیاسی بزرگ کاتالونیا از اهرم رای‌گیری تعیین‌کننده بوده است.

آرولامپالاما و همکاران^۴ (۲۰۰۹) به بررسی رابطه بین سیاست‌های توزیع مجدد دولت مرکزی و اهداف انتخاباتی در هند طی دوره زمانی ۱۹۷۴-۱۹۹۷ پرداخته‌اند. آن‌ها بدین نتیجه رسیدند که هر ایالتی که در آخرین انتخابات ایالتی هماهنگ و همسو با دولت مرکزی بوده، به طور متوسط مبالغ انتقالی بالاتری دریافت کرده است.

ساول-اول و ناوارو^۵ (۲۰۰۸) با استفاده از داده‌های ۹۰۰ شهرداری اسپانیا طی دوره ۱۹۹۳-۲۰۰۳ رابطه میان میزان کمک‌های دریافتی شهرداری‌ها با همسو بودن با دولت مرکزی را واکاوی کرده و نتیجه گرفته‌اند که همسویی حزبی تاثیر مثبت قابل توجهی بر میزان کمک‌های دریافتی توسط شهرداری‌ها دارد. به عنوان مثال، شهرداری‌های همسو بیش از ۴۰ درصد کمک‌های بلاعوض را دریافت می‌کنند.

-
1. Abdulai, A.
 2. Palaniswamy, N. & Krishnan, N.
 3. Reino, J. L. G. & Alcalde, A. H.
 4. Arulampalama, W., et al.
 5. Solé-Ollé, A. & Navarro, P. S.

آنسولابر و اسانیدر^۱ (۲۰۰۶) نقش دولت‌های ایالتی را بر توزیع منابع عمومی در انگلستان طی ۱۹۵۷-۱۹۹۷ بررسی کرده‌اند. آن‌ها نتیجه می‌گیرند که احزاب حاکم، توزیع بودجه را به نفع مناطقی که قوی‌ترین حمایت انتخاباتی را برای آن‌ها فراهم می‌کنند، منحرف می‌کنند. لارسینز و همکاران^۲ (۲۰۰۶) به بررسی تعیین‌کننده‌های بودجه فدرال آمریکا را برای دوره ۱۹۸۲-۲۰۰۰ پرداخته‌اند. یافته‌های آن‌ها نشان داده ایالت‌هایی که از رییس‌جمهور پیروز حمایت کرده‌اند یا فرماندار آن‌ها به همان حزب رییس‌جمهور تعلق دارد، بودجه فدرال بیشتری دریافت می‌کنند.

هاور و پکوریو^۳ (۲۰۰۵) تاثیر عوامل سیاسی را بر توزیع مخارج فدرال در آمریکا بررسی کرده‌اند. این مطالعه سهم سرانه هر ایالت از نمایندگان را به عنوان معیار قدرت سیاسی در نظر گرفته و بدین نتیجه رسیده که میزان برخورداری از سرانه نمایندگان سنا با هزینه‌های فدرال رابطه مثبت دارد.

الوای و اسکچ^۴ (۲۰۰۴) نقش توزیع قدرت در نابرابری‌های منطقه‌ای کنیا را از نظر برخورداری از منابع، فرصت‌ها و امکانات آموزشی بررسی کرده‌اند. این مطالعه نشان داده که استان‌های مرکزی کنیا در مقایسه با مناطق شرقی و ساحلی آن از امکانات آموزشی بیشتری برخوردار بوده‌اند. این یافته به دلیل ارتباط و نزدیکی مناطق مرکزی با نخبگان سیاسی حاکم است.

صادقی عمروآبادی و کاظمی (۱۴۰۱) تاثیر متغیرهای حکمرانی خوب و چرخه‌های سیاسی را بر نقدینگی و کسری بودجه ایران طی دوره ۱۳۵۷-۱۳۹۷ بررسی کردند. آن‌ها با به کارگیری روش اقتصادسنجی گشتاورهای تعمیم‌یافته^۵ نشان داده‌اند که حکمرانی خوب بر نقدینگی و کسری بودجه تاثیر معنی‌دار و منفی دارد. زیرکی و اخباری (۱۳۹۸) توزیع قدرت اجتماعی (نخبگان مذهبی، نخبگان قومی، نخبگان علمی و نخبگان اقتصادی) در سیستان و بلوچستان را بررسی کرده‌اند. روش این پژوهش کیفی بوده و با استفاده از روش تحلیل محتوا، گفته‌های ۱۷ متخصص و صاحب‌نظر

1. Ansolabehere, S. & Snyder, J. M.
2. Larcinese, V., et al.
3. Hoover, G. A. & Pecorino, P.
4. Alwy, A. & Schech, S.
5. Generalized Method of Moments (GMM)

در زمینه مسائل اجتماعی و اقوام مورد تحلیل قرار گرفته است. یافته‌های این مطالعه، میزان نفوذ و قدرت نخبگان مذهبی ۶۲ درصد، نخبگان قومی ۱۹/۷ درصد، نخبگان علمی ۱۲/۴ درصد و نخبگان اقتصادی ۶ درصد برآورد شده است.

جعفریان و همکاران (۱۳۹۵) سعی کردند ساختار قدرت را در سازمان‌های دست‌اندرکار در مدیریت منابع آب دشت گرمسار شناسایی کنند. در ابتدا، سازمان‌های مورد نظر به سه زیرگروه توسعه‌ای، حفاظتی و واسطه‌ای تقسیم شده و سپس از طریق انجام مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته، پیوند تبادل اطلاعات و همکاری در این شبکه مورد بررسی قرار گرفته است. در نهایت براساس شاخص‌های مرکزیت درجه، مرکزیت بینایی، مرکزیت بردار ویژه و مرکزیت بتا، میزان قدرت، نفوذ و قابلیت کنترل هر یک از سازمان‌ها در شبکه تعیین شده است. نتایج این مطالعه نشان داده که فرمانداری شهر گرمسار با اختلاف فراوان بیشترین قدرت را داشته و پس از آن مدیریت جهاد کشاورزی و اداره منابع طبیعی و آبخیزداری در جایگاه بعدی از نظر میزان قدرت قرار گرفته‌اند.

پیشگاهی فرد و همکاران (۱۳۹۲) توزیع فضایی قدرت سیاسی کلان‌شهر تهران را مورد مطالعه قرار داده‌اند. روش این پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و به منظور تشریح بهتر وضعیت الگوها و پیوندهای نهادی و اثرگذاری آن‌ها بر خدمات‌رسانی به شهروندان از ماتریس سوآپ^۱ استفاده شده است. آن‌ها بدین نتیجه دست یافته‌اند که ناکارآمدی به دلیل توزیع نامتوازن قدرت سیاسی بین نهادهای دولتی و مردمی است. از یک سو، سهم بالای نهادهای دولتی در مدیریت شهر و از سوی دیگر، دخالت محدود و مشروط نهادهای مردمی در اداره امور شهری زمینه بروز ناکارآمدی را مهیا ساخته‌اند.

قالیباف و همکاران (۱۳۹۰) نحوه تاثیرپذیری توزیع فضایی قدرت در ایران از درآمدهای نفتی را بررسی کردند. روش این مطالعه توصیفی و تاریخی است. نتایج این مطالعه در برگیرنده این نکته است که درآمدهای نفتی تنها در دوره پهلوی دوم در جهت تحکیم قدرت سیاسی کشور بوده است.

محمدی کنگرانی و همکاران (۱۳۸۹) تاثیر قدرت در دو بعد رسمی و غیررسمی را بر تخصیص بودجه حوزه منابع طبیعی در برنامه چهارم توسعه استان کهگیلویه و بویراحمد تحلیل کرده‌اند. در این پژوهش، نهاد استانداری به عنوان مرکز اصلی تخصیص بودجه

1. Strengths, Weaknesses, Opportunities, and Threats (SWOT)

شناسایی شده که یافته‌ها نشان از تاثیر و نفوذ بیشتر قدرت غیررسمی در مقایسه با قدرت رسمی بر تخصیص بودجه دارد.

اشتریان (۱۳۸۶) ارتباط قدرت سیاسی را با بودجه دولت مورد کنکاش قرار داده است. وی با تکیه بودجه نهاد ریاست جمهوری نتیجه می‌گیرد که ردیف‌های بودجه این نهاد، صورتی کلی داشته و این موجب غیرشفاف بودن آن شده است. در نتیجه، مقامات بالای دیوانسالار دولتی می‌توانند در فرآیند تخصیص اعتبارات و به ویژه در ردیف‌های متفرقه بودجه نهاد ریاست جمهوری اعمال نفوذ کنند.

مرور مطالعه‌های داخلی نمایانگر سه نکته مهم است: ۱- قدرت بیشتر از بعد سیاسی و اجتماعی مورد توجه بوده و کمتر از دیدگاه اقتصاد سیاسی بررسی شده است و ۲- اغلب مطالعه‌ها در تعیین قدرت رویکردی کیفی دنبال کرده‌اند. با توجه به این دو نکته، پژوهش حاضر می‌کوشد با محوریت قرار دادن موضوع قدرت از دیدگاه اقتصاد سیاسی و با استفاده از قانون بودجه کشور، معیاری کمی برای سنجش قدرت معرفی کند. این مهم با تاکید بر نهادها و سازمان‌هایی که از بودجه ملی سهم دارند، انجام می‌شود.

۴. روش پژوهش

در این بخش ابتدا به بیان دقیق مراحل محاسبه و کمی‌سازی شاخص قدرت اقتصادی-سیاسی استان‌های ایران پرداخته و سپس در یک قسمت جداگانه ویژگی‌های آن (نقاط قوت و ضعف) شرح داده خواهد شد.

۴-۱. مراحل محاسبه شاخص قدرت اقتصادی-سیاسی

همان‌طور که در مقدمه و بخش دوم بیان شد، قدرت موضوعی پیچیده، درهم‌تنیده و گسترده است. با علم به این موضوع، محاسبه آن نیاز به مبنا و روشی جهت منظور کردن توان قدرت مناطق ایران از حیث قدرت سیاسی است. دیدگاه این مطالعه مبتنی بر اقتصاد سیاسی است، بنابراین، مبنایی که برای تعیین قدرت مناطق انتخاب می‌شود باید امکان پیوند دادن بعد قدرت اقتصادی را با بعد قدرت سیاسی داشته باشد. به همین دلیل، قانون بودجه کشور انتخاب شده است. بودجه کشور به دلیل جامعیت در پوشش اغلب نهادها و سازمان‌های برخوردار از قدرت، زمینه را برای بررسی قدرت مناطق ایران فراهم می‌کند. بر این اساس، شاخص قدرت استخراج شده، شاخص قدرت اقتصادی-سیاسی نام‌گذاری می‌شود.

پژوهش حاضر بر دو فرض اساسی استوار است؛ اول اینکه به پیروی از نظر پارسونز که قدرت در سیاست را به مثابه پول در حوزه اقتصاد می‌داند؛ در تعیین قدرت اقتصادی از قانون بودجه کشور استفاده می‌شود. دوم اینکه سیطره هر استان بر بودجه کشور از طریق افرادی که از آن استان در تخصیص بودجه ملی نقش دارند، تعیین می‌شود. این افراد به عنوان مزیتی برای آن استان تلقی شده و نمایانگر قدرت سیاسی آن استان خواهند بود. به بیان خلاصه، فرد صاحب منصب می‌تواند به دلیل امکان دستیابی به بودجه قانونی، قدرت برخورداری از امکانات ملی را برای استان محل تولد خود به ارمغان آورد. با توجه به این دو فرض، نحوه محاسبه شاخص قدرت اقتصادی-سیاسی شامل ۵ مرحله است که به طور اختصار بیان می‌شوند.

مرحله اول- شناسایی نهادها و سازمان‌های برخوردار از بودجه کشور: مبنا و منطق انتخاب دستگاه‌ها، نهادها و سازمان‌های برخوردار از بودجه عمومی کشور بوده که در قانون بودجه دارای ردیف بودجه مشخص هستند. این نهادها در جدول (۱) نمایش داده شدند. پس از آن، میزان سهم هر نهاد و سازمان از بودجه کشور نیز به عنوان نماگر اول محاسبه شده است. مرحله دوم- شناسایی مناصب متولی نهادها: پس از تعیین دستگاه‌ها و استخراج اعتبارات هزینه‌ای تخصیص یافته از بودجه کشور به آن‌ها، مناصبی که از نظر سازمانی در تخصیص این اعتبارات دارای اختیار هستند، شناسایی شدند. بر این اساس، در اینجا دو نماگر قابل استخراج است؛ مطابق با فرض دوم، زادگاه هر مدیر به عنوان نماگر دوم و مدت زمان تصدی هر منصب نیز به عنوان نماگر سوم در نظر گرفته شود.

مرحله سوم- تعیین اهمیت هر منصب و تشکیل ماتریس قدرت: براساس فروض پژوهش از یک طرف، قدرت اقتصادی استان‌های کشور به مدیرانی که اهلیت آن استان را دارند، بستگی دارد و از طرف دیگر، قدرت مدیران هم به بودجه سازمان آن‌ها و طول مدت تصدی‌شان بستگی دارد. بنابراین، درجه اهمیت یا وزن هر منصب برای هر استان از طریق حاصل ضرب سهم سازمان مربوطه از بودجه کشور در مدت تصدی فرد در آن سال قابل کمی‌سازی است. برخورداری از تعداد نفرات بیشتر در مدیریت هر دستگاه لزوماً نشانگر قدرت بیشتر یک استان نیست، بلکه سهم نهاد محل خدمت شخص از بودجه کشور و تعداد روزهای تصدی فرد اهمیت دارد.

ادامه جدول ۱.

مناصب	نهاد	مناصب	نهاد	مناصب	نهاد
هیات رییسه	مجلس شورای اسلامی	رییس	قوه قضاییه	اعضا	نهاد ریاست جمهوری
نهادهای نظامی و امنیتی		سازمان‌ها		وزارتخانه‌ها	
فرمانده	ارتش ج.ا.ا.	رییس	اداری و استخدامی کشور	وزیر	آموزش و پرورش
فرمانده	سازمان بسیج مستضعفین	رییس	اسناد و کتابخانه ملی ایران	وزیر	ارتباطات و فناوری اطلاعات
فرمانده	سپاه پاسداران	رییس	برنامه و بودجه	وزیر	اطلاعات
رییس	ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران	رییس	ثبت احوال کشور	وزیر	امور اقتصادی و دارایی
رییس	ستاد مشترک سپاه پاسداران	رییس	امور شهرداری‌ها و دهیاری‌ها	وزیر	امور خارجه
رییس	ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح	رییس	زندان‌ها، اقدامات تربیتی و تأمینی	وزیر	بهداشت درمان و آموزش پزشکی
اعضا	ستاد مبارزه با مواد مخدر	رییس	بازرسی کل کشور	وزیر	تعاون، کار و رفاه اجتماعی
اعضا	شورای عالی امنیت ملی	رییس	پزشکی قانونی	وزیر	جهاد کشاورزی
نماینده	نمایندگی ولی فقیه در سپاه	رییس	اوقاف و امور خیریه	وزیر	دادگستری
فرمانده	نیروی انتظامی ج.ا.ا.	رییس	امور مالیاتی کشور	وزیر	دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح
سایر نهادها و سازمان‌ها		رییس	گمرک ج.ا.ا.	وزیر	راه و شهرسازی
رییس	انستیتو پاستور ایران	رییس	فرهنگ و ارتباطات اسلامی	وزیر	صنعت، معدن و تجارت
رییس	بنیاد شهید و امور ایثارگران	رییس	تبلیغات اسلامی	وزیر	علوم، تحقیقات و فناوری
رییس	جمعیت هلال احمر ایران	رییس	بهبیستی کشور	وزیر	فرهنگ و ارشاد اسلامی

ادامه جدول ۱.

مناصب	نهاد	مناصب	نهاد	مناصب	نهاد
	نهادهای نظامی و امنیتی		سازمانها		وزارتخانهها
رییس و دادستان	دیوان محاسبات کشور	رییس	تامین اجتماعی	وزیر	کشور
اعضا	شورای عالی حوزه‌های علمیه	رییس	تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی	وزیر	میراث فرهنگی، صنایع دستی، گردشگری
اعضا	شورای نگهبان	رییس	دامپزشکی کشور	وزیر	نفت
سرپرست	کمیته امداد امام خمینی	رییس	جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری	وزیر	وزارت نیرو
اعضای حقیقی	مجمع تشخیص مصلحت نظام	رییس	حفاظت محیط زیست	وزیر	وزارت ورزش و جوانان
هیات ریسه	مجلس خبرگان رهبری	رییس	صدا و سیما ج.ا.ا.	-	-

ماخذ: یافته‌های پژوهش

با محاسبه درجه اهمیت هر منصب به شیوه پیش گفته، ماتریس قدرت استان‌ها در هر سال قابل استخراج خواهد بود. هر سطر ماتریس را هر استان و هر ستون ماتریس را هر منصب تشکیل می‌دهد. این ماتریس دارای ۳۱ سطر بوده که برابر تعداد استان‌های ایران طی دوره مورد بررسی (۱۳۹۸-۱۳۸۸) است. تعداد ستون‌های این ماتریس هم برابر تعداد مناصب ذکر شده در جدول (۱) است. عناصر ماتریس قدرت برابر درجه اهمیت هر منصب برای استان محل تولد فرد است. برای مثال، اگر درجه اهمیت رییس جمهور ۸۱ به دست آمده، این عدد در ستون رییس جمهور و سطر استان محل تولد وی قرار می‌گیرد (و برای استان‌های دیگر صفر). جدول (۲) شکل خلاصه شده‌ای از ماتریس قدرت اقتصادی-سیاسی برای هر سال را نشان می‌دهد.

جدول ۲. شمای خلاصه‌شده‌ای از ماتریس قدرت اقتصادی-سیاسی

استان	منصب	رییس‌جمهور	...	فرمانده سپاه پاسداران	...	رییس صدا و سیما
اصفهان	•	•	...	•	...	×
•	•	•	•	•	•	•
•	•	•	•	•	•	•
سمنان	×	×	...	•	...	•
•	•	•	•	•	•	•
•	•	•	•	•	•	•
یزد	•	•	...	×	...	•

ماخذ: یافته‌های پژوهش

مرحله چهارم - ترکیب نماگرها و محاسبه شاخص قدرت اقتصادی-سیاسی: شاخص قدرت اقتصادی-سیاسی هر استان از تجميع تمامی نماگرهای قدرت برای مناصب مختلف آن استان به دست می‌آید. نام‌گذاری این شاخص به دلیل ابعاد دوگانه اقتصادی و سیاسی آن است؛ از یک طرف، میزان بودجه هر نهاد یا سازمان نمایانگر میزان تسلط هر منصب و به دنبال آن میزان برخورداری استان محل تولد فرد از بودجه عمومی کشور است. از طرف دیگر، بعد دوم شاخص قدرت نشان‌دهنده سهم هر استان از مقامات سیاسی است که امکان برخورداری از بودجه کشور را برای استان فراهم می‌کنند. از طریق این افراد کفه قدرت در استفاده از بودجه کشور به نفع استان‌هایی که زادگاه آن‌ها هستند، تغییر می‌یابد. شکل (۱)، مولفه‌های شاخص قدرت اقتصادی-سیاسی مناطق ایران را به تصویر می‌کشد.

شکل ۱. مولفه‌های شاخص قدرت اقتصادی-سیاسی



ماخذ: یافته‌های پژوهش

تجمیع نماگرهای قدرت برای هر استان با استفاده از سه روش وزن‌دهی ساده، تاپسیس و تاکسونومی عددی انجام می‌گیرد. دلیل بهره‌گیری از روش‌های مختلف، حصول اطمینان از نتایج پژوهش است. با توجه به گستردگی مراحل محاسبه و به منظور پرهیز از اطاله کلام از جزئیات صرف‌نظر می‌شود. اگر فرض شود در یک مساله تصمیم‌گیری n معیار و m گزینه وجود دارد به منظور انتخاب بهترین گزینه هر یک از سه روش یاد شده مراحل زیر را خواهند داشت.

الف- روش وزن‌دهی ساده

۱- تشکیل ماتریس تصمیم: ماتریس تصمیم شامل جدولی است که ستون‌های آن را معیارها و سطرها آن را گزینه‌ها تشکیل می‌دهند و هر سلول این ماتریس ارزیابی هر گزینه نسبت به هر معیار است. ۲- بی‌مقیاس کردن ماتریس تصمیم: بدین صورت که اگر معیار مثبت باشد، تک‌تک اعداد آن ستون بر بزرگترین عدد تقسیم می‌شود. ۳- تشکیل ماتریس وزن‌دار: با توجه به وزن‌های محاسبه شده از روش‌های دیگر ماتریس وزن‌دار بدست می‌آید. ۴- انتخاب گزینه برتر: با جمع سطری ماتریس وزن‌ها، امتیاز هر گزینه محاسبه و براساس آن گزینه‌ها رتبه‌بندی می‌شوند.

ب- روش تاپسیس

۱- تبدیل ماتریس تصمیم به ماتریس بی‌مقیاس. ۲- تعیین ایده‌آل‌های مثبت و منفی: اگر مقدار بیشتر معیارها نشان‌دهنده وضعیت بهتر باشد در نتیجه «بهترین مقادیر»، بزرگ‌ترین مقادیر و «بدترین مقادیر»، کوچک‌ترین مقادیر خواهند بود. ۳- محاسبه فاصله مطلق گزینه‌ها از گزینه‌های ایده‌آل مثبت و منفی. ۴- محاسبه فاصله نسبی گزینه‌ها. ۵- رتبه‌بندی استان‌ها از لحاظ میزان برخورداری از مقامات ملی (El Alaoui, 2021).

ج- روش تاکسونومی عددی

۱- تعیین گزینه‌ها با توجه به هدف و تعیین شاخص‌ها جهت انتخاب. ۲- تشکیل ماتریس داده‌ها و سپس محاسبه میانگین و انحراف معیار. ۳- نرمال‌سازی داده‌های ماتریس. ۴- تعیین

فاصله مرکب بین گزینه‌ها. ۵- تعیین کوتاه‌ترین فاصله برای هر گزینه. ۶- تعیین الگو برای گزینه‌ها: محاسبه فاصله هر یک از گزینه‌ها از مقدار ایده‌آل مرحله سوم. مرحله پنجم- رتبه‌بندی و تقسیم‌بندی استان‌ها: پس از محاسبه شاخص قدرت، استان‌های ایران از نظر میزان برخورداری از قدرت اقتصادی- سیاسی براساس سه روش وزن‌دهی ساده، تاپسیس و تاکسونومی عددی رتبه‌بندی شده و در ادامه نیز طبق جدول (۳) به چهار گروه تفکیک می‌شوند. از آنجایی که ابتدا داده‌ها نرمال‌سازی شده‌اند، مقدار میانگین برابر صفر و مقدار انحراف معیار برابر ۱ است.

جدول ۳: گروه‌بندی استان‌ها بر اساس شاخص قدرت اقتصادی-سیاسی

معیار گروه‌بندی	سطح برخورداری از قدرت	گروه
$PEI_i \geq \mu + \sigma$	پربرخوردار	۱
$\mu < PEI_i < \mu + \sigma$	نیمه‌برخوردار	۲
$\mu - \sigma < PEI_i < \mu$	کم‌برخوردار	۳
$PEI_i \leq \mu - \sigma$	محروم	۴

ماخذ: یافته‌های پژوهش

۲-۴. ویژگی‌های شاخص قدرت اقتصادی- سیاسی

در این زیربخش، ابتدا مزیت‌ها و وجوه تمایز روش این پژوهش در کمی‌سازی قدرت استان‌های ایران بیان شده و سپس محدودیت‌ها و نقاط ضعف آن نیز گفته خواهد شد. همانگونه که در بخش سوم بحث شد، اغلب پژوهش‌های داخلی قدرت را از بعد تاریخی و سیاسی و به روش توصیفی و کیفی بررسی کرده‌اند. البته در چند مطالعه محدود به محاسبه قدرت از بعد کمی در ایران اهتمام ورزیده شده، اما بیان وجوه تمایز پژوهش حاضر نشانگر اهمیت انجام آن است.

اولین وجه تمایز شیوه محاسبه شاخص، توجه به قانون بودجه و بعد اقتصاد سیاسی مساله است. براساس ادبیات پژوهش، قدرت موضوعی پیچیده، درهم‌تنیده و گسترده است. با علم به این موضوع، محاسبه آن نیازمند مبنا و روشی جهت منظور کردن توان قدرت مناطق ایران از حیث قدرت سیاسی و اقتصادی است. در همین راستا، پژوهش حاضر تلاش کرده امکان پیوند بعد اقتصادی قدرت را با بعد سیاسی آن فراهم آورد.

دومین وجه تمایز این پژوهش، نحوه به کارگیری قانون بودجه کشور در تعیین قدرت مناطق است. این تمایز در چهار بعد قابل تامل است: ۱- ساختار بودجه به گونه‌ای است که در آن، نهادها و دستگاه‌هایی که از بودجه کشور بهره‌مند هستند (اعم از قوای سه‌گانه، وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی) با ذکر میزان بودجه به طور شفاف مشخص شده و طیف گسترده‌ای از نهادهای برخوردار از قدرت را دربر می‌گیرد. ۲- میزان برخورداری نهادها و سازمان‌ها از بودجه کشور را می‌توان هم‌ارز با قدرت اقتصادی مناصبی که در سطوح بالایی مدیریت آن سازمان‌ها قرار دارند، تلقی کرد. به همین دلیل برای تعیین سهم هر منصب از قدرت اقتصادی کشور، از سهم هر سازمان از بودجه کشور استفاده شده است. ۳- از آنجایی که هر صاحب منصب می‌کوشد تا در تخصیص قدرت اقتصادی به دلیل تعلق خاطری که به زادگاه خود دارد، ملاحظاتی را به نفع آن مدنظر قرار دهد؛ بنابراین، میزان بهره‌مندی هر منصب از بودجه کشور در حقیقت تعیین‌کننده میزان برخورداری زادگاه وی از قدرت اقتصادی کشور است. ۴- تعیین درجه اهمیت هر منصب برای هر استان بر اساس نوع منصب و مدت زمان تصدی هر منصب کمی‌سازی می‌شود.

البته شاخص محاسبه شده در این پژوهش دارای نواقصی نیز است. برای نمونه، میزان بودجه تخصیصی به برخی از سازمان‌ها ممکن است از وزارتخانه‌ها و نهادهایی که در آن مقامات ارشد تصمیم‌گیری حضور دارند، بیشتر باشد. در نتیجه، قدرت این سازمان‌ها بیشتر از آن وزارتخانه‌ها و نهادها برآورد خواهد شد. در همین رابطه، قدرت اعضای شورای عالی امنیت ملی و اعضای شورای نگهبان کمتر از اغلب سازمان‌ها برآورد شده که منطقی نیست. پس باید اعتراف کرد که شاخص محاسبه شده براساس قانون بودجه کشور، نمایانگر حداکثر قدرت اقتصادی-سیاسی هر منصب نیست و هرگز در این مقاله چنین ادعایی نشده است، بلکه این پژوهش کوشیده تا حداقل قدرت اقتصادی-سیاسی استان‌های ایران براساس قانون بودجه کشور محاسبه محاسبه کند.

۵. یافته‌های پژوهش

این بخش از پژوهش شامل دو قسمت است؛ در ابتدا نتایج محاسبه شاخص قدرت اقتصادی-سیاسی و تعیین درجه برخورداری استان‌های کشور از آن بیان شده، سپس در بخشی جداگانه، این یافته‌ها با مطالعات دیگر مقایسه می‌شود.

۵-۱. تحلیل نتایج براساس شاخص قدرت اقتصادی-سیاسی

با شناسایی نهادها و مناصب برخوردار از بودجه کشور (جدول (۱))، اطلاعات افرادی که طی دوره ۱۳۸۸-۱۳۹۸ این مناصب را به خود اختصاص داده‌اند به همراه استان محل تولد و مدت تصدی‌شان گردآوری شد. سپس بودجه‌های تخصیص‌یافته به هر سازمان استخراج و سهم بودجه تحت اختیار هر منصب از بودجه کل کشور محاسبه شد. این سهم نمایانگر میزان اشراف هر استان بر بودجه کشور از طریق فرد صاحب منصب با اهلیت آن استان است. نماگر قدرت برای هر منصب از طریق حاصل ضرب سهم بودجه تحت اختیار وی و طول مدت تصدی وی در هر سال تعیین شد. با این رویه، درجه اهمیت هر منصب در مقایسه با درجه اهمیت مناصب دیگر نیز مشخص می‌شود (نتایج در جدول (الف) پیوست قابل مشاهده است).

پس از محاسبه درجه اهمیت هر منصب، ماتریس قدرت برای هر سال تشکیل شد. این ماتریس ۳۱ سطر دارد که برابر تعداد استان‌های ایران است. تعداد ستون‌های ماتریس نیز برابر تعداد مناصب معرفی شده در جدول (۱) است. پس از آن، شاخص قدرت با سه روش وزن‌دهی ساده، تاپسیس و تاکسونومی عددی محاسبه و استان‌ها از حیث برخورداری از قدرت اقتصادی-سیاسی رتبه‌بندی شدند. این نتایج در جدول (۴) ارائه شده است.

نتایج حاصل از جدول (۴) نشان می‌دهد که استان تهران همواره در رتبه اول و استان اصفهان در همه سال‌ها (بجز ۱۳۹۰-۱۳۹۱) در رتبه دوم قرار داشته است. استان خراسان رضوی در اغلب موارد جایگاه دوم تا چهارم را به خود اختصاص داده است. پس از آن، استان‌های فارس، سمنان، کرمان، خوزستان، قم و مازندران نسبت به استان‌های دیگر حائز رتبه‌های بالاتری شده‌اند. در طیف میانی قدرت، استان‌های خراسان شمالی، خراسان جنوبی، کرمانشاه، مرکزی، همدان و یزد قرار دارند. استان‌های اردبیل، البرز، ایلام، بوشهر، چهارمحال و بختیاری، زنجان، سیستان و بلوچستان، قزوین، کهگیلویه و بویراحمد، لرستان و هرمزگان همواره در سطوح پایین قدرت باقی ماندند.

جدول ۴. رتبه‌بندی استان‌ها بر اساس شاخص قدرت اقتصادی - سیاسی (سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۱)

شاخص‌های قدرت												سال	استان
TAX	TOP	SAW	TAX	TOP	SAW	TAX	TOP	SAW	TAX	TOP	SAW		
۱۳۹۱			۱۳۹۰			۱۳۸۹			۱۳۸۸				
۹	۷	۶	۷	۷	۷	۶	۵	۷	۷	۶	۷	آذربایجان شرقی	
۱۳	۱۳	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۳	۳	۳	آذربایجان غربی	
۱۹	۱۹	۱۸	۱۸	۱۸	۱۹	۲۲	۲۲	۲۱	۲۱	۲۱	۲۱	اردبیل	
۳	۳	۳	۳	۳	۳	۲	۲	۲	۲	۲	۲	اصفهان	
۲۵	۲۵	۲۳	۲۱	۲۱	۲۲	۲۲	۲۲	۲۱	۲۱	۲۱	۲۱	البرز	
۲۵	۲۵	۲۳	۲۱	۲۱	۲۲	۲۲	۲۲	۲۱	۲۱	۲۱	۲۱	ایلام	
۲۲	۲۲	۲۰	۲۱	۲۱	۲۲	۲۲	۲۲	۲۱	۲۱	۲۱	۲۱	بوشهر	
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	تهران	
۲۵	۲۵	۲۳	۱۸	۱۸	۱۹	۱۹	۱۹	۱۸	۲۱	۲۱	۲۱	چهارمحال و بختیاری	
۱۵	۱۵	۱۴	۱۳	۱۳	۱۵	۱۳	۱۴	۱۴	۱۷	۱۶	۱۷	خراسان جنوبی	
۲	۲	۲	۲	۲	۲	۳	۳	۳	۸	۸	۵	خراسان رضوی	
۲۰	۲۰	۱۹	۱۷	۱۷	۱۸	۱۹	۱۹	۱۸	۱۸	۱۷	۱۸	خراسان شمالی	
۶	۴	۴	۴	۴	۴	۸	۸	۸	۹	۱۱	۸	خوزستان	
۲۵	۲۵	۲۳	۲۱	۲۱	۲۲	۲۲	۲۲	۲۱	۲۱	۲۱	۲۱	زنجان	
۵	۶	۵	۵	۵	۵	۵	۶	۵	۶	۴	۶	سمنان	
۲۱	۲۱	۲۱	۲۱	۲۱	۲۲	۲۲	۲۲	۲۱	۲۱	۲۱	۲۱	سیستان و بلوچستان	
۷	۸	۸	۶	۶	۶	۹	۹	۹	۱۴	۱۲	۱۱	فارس	
۲۴	۲۴	۲۲	۲۰	۲۰	۲۱	۲۱	۲۱	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	قزوین	
۱۷	۱۷	۱۵	۱۶	۱۶	۱۷	۱۷	۱۷	۱۶	۱۳	۱۴	۱۳	قم	
۲۵	۲۵	۲۳	۱۸	۱۸	۱۹	۱۶	۱۶	۱۵	۱۸	۱۷	۱۸	کردستان	
۴	۵	۴	۹	۹	۹	۴	۴	۶	۴	۹	۴	کرمان	
۱۱	۱۰	۹	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۰	۱۰	۱۲	کرمانشاه	
۲۵	۲۵	۲۳	۲۱	۲۱	۲۲	۲۲	۲۲	۲۱	۲۱	۲۱	۲۱	کهگیلویه و بویراحمد	
۱۶	۱۶	۱۶	۱۵	۱۵	۱۶	۱۵	۱۵	۱۵	۱۲	۷	۱۴	گلستان	
۱۸	۱۸	۱۷	۱۷	۱۷	۱۸	۱۹	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۷	گیلان	
۲۰	۲۰	۱۹	۱۸	۱۸	۱۹	۲۲	۲۲	۲۱	۲۱	۲۱	۲۱	لرستان	
۸	۹	۷	۸	۸	۸	۷	۷	۴	۵	۵	۹	مازندران	
۱۲	۱۲	۱۲	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۳	۱۳	۱۶	۱۸	۱۵	مرکزی	
۲۳	۲۳	۲۰	۱۹	۱۹	۲۰	۲۰	۲۰	۱۹	۱۹	۱۹	۱۹	هرمزگان	
۱۰	۱۱	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۱	۱۳	۱۰	همدان	
۱۴	۱۴	۱۳	۱۲	۱۲	۱۳	۱۸	۱۸	۱۷	۱۵	۱۵	۱۶	یزد	

ادامه جدول ۴.

شاخص‌های قدرت												سال	استان
TAX	TOP	SAW	TAX	TOP	SAW	TAX	TOP	SAW	TAX	TOP	SAW		
۱۳۹۵			۱۳۹۴			۱۳۹۳			۱۳۹۲				
۷	۵	۱۰	۹	۸	۸	۵	۵	۵	۹	۷	۷	آذربایجان شرقی	
۸	۷	۹	۱۰	۹	۱۰	۱۰	۹	۹	۱۰	۹	۱۲	آذربایجان غربی	
۲۳	۲۳	۲۲	۲۳	۲۳	۲۲	۲۰	۲۰	۱۹	۲۰	۱۹	۲۰	اردبیل	
۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	اصفهان	
۲۳	۲۳	۲۲	۲۳	۲۳	۲۲	۲۰	۲۰	۱۹	۲۶	۲۶	۲۴	البرز	
۱۹	۱۹	۱۹	۲۳	۲۳	۲۲	۲۰	۲۰	۱۹	۲۶	۲۶	۲۴	ایلام	
۲۰	۲۰	۱۶	۲۰	۲۰	۱۹	۱۷	۱۷	۱۷	۲۳	۲۳	۲۲	بوشهر	
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	تهران	
۲۳	۲۳	۲۲	۲۳	۲۳	۲۲	۲۰	۲۰	۱۹	۲۶	۲۶	۲۴	چهارمحال و بختیاری	
۱۸	۱۸	۱۹	۱۸	۱۸	۱۸	۱۶	۱۶	۱۶	۱۴	۱۲	۱۴	خراسان جنوبی	
۵	۹	۴	۳	۳	۳	۴	۴	۳	۳	۳	۳	خراسان رضوی	
۱۸	۱۸	۱۹	۱۷	۱۶	۱۷	۱۶	۱۶	۱۶	۱۷	۱۸	۱۸	خراسان شمالی	
۱۴	۱۳	۱۲	۱۴	۱۴	۱۳	۱۳	۱۳	۱۲	۸	۸	۶	خوزستان	
۲۳	۲۳	۲۲	۲۳	۲۳	۲۲	۲۰	۲۰	۱۹	۲۶	۲۶	۲۴	زنجان	
۳	۳	۳	۴	۴	۴	۳	۳	۴	۵	۴	۵	سمنان	
۲۳	۲۳	۲۲	۲۳	۲۳	۲۲	۲۰	۲۰	۱۹	۲۱	۲۰	۲۰	سیستان و بلوچستان	
۶	۶	۶	۶	۶	۵	۸	۸	۶	۴	۶	۴	فارس	
۲۲	۲۲	۲۱	۲۲	۲۲	۲۱	۱۹	۱۹	۱۸	۲۵	۲۵	۲۳	قزوین	
۹	۸	۱۱	۷	۷	۶	۷	۷	۵	۱۲	۱۳	۱۰	قم	
۲۳	۲۳	۲۲	۲۳	۲۳	۲۲	۲۰	۲۰	۱۹	۲۶	۲۶	۲۴	کردستان	
۱۱	۱۲	۸	۸	۱۱	۹	۹	۱۱	۸	۷	۱۰	۹	کرمان	
۱۶	۱۷	۱۸	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۴	۱۶	۱۷	۱۵	کرمانشاه	
۱۷	۱۶	۱۷	۱۹	۱۹	۲۰	۲۰	۲۰	۱۹	۲۶	۲۶	۲۴	کهگیلویه و بویراحمد	
۲۳	۲۳	۲۲	۲۳	۲۳	۲۲	۲۰	۲۰	۱۹	۱۸	۱۵	۱۷	گلستان	
۱۲	۱۰	۱۴	۱۱	۱۰	۱۲	۱۱	۱۰	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	گیلان	
۲۳	۲۳	۲۲	۲۳	۲۳	۲۲	۲۰	۲۰	۱۹	۲۲	۲۲	۲۱	لرستان	
۱۰	۱۱	۷	۱۲	۱۲	۱۱	۱۴	۱۴	۱۳	۱۹	۲۱	۱۹	مازندران	
۴	۴	۵	۵	۵	۷	۶	۶	۷	۶	۵	۸	مرکزی	
۲۱	۲۱	۲۰	۲۱	۲۱	۱۹	۱۸	۱۸	۱۷	۲۴	۲۴	۲۲	هرمزگان	
۱۳	۱۴	۱۳	۱۳	۱۳	۱۴	۱۲	۱۲	۱۰	۱۳	۱۴	۱۳	همدان	
۱۵	۱۵	۱۵	۱۶	۱۷	۱۶	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۶	۱۶	یزد	

ادامه جدول ۴.

شاخص های قدرت												سال	استان
TAX	TOP	SAW	TAX	TOP	SAW	TAX	TOP	SAW	TAX	TOP	SAW		
۱۳۹۹			۱۳۹۸			۱۳۹۷			۱۳۹۶				
-	-	-	۷	۵	۱۰	۶	۵	۱۰	۶	۶	۶	آذربایجان شرقی	
-	-	-	۲۰	۲۲	۲۲	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۵	۱۴	آذربایجان غربی	
-	-	-	۱۵	۱۳	۱۷	۲۰	۱۹	۱۸	۲۳	۲۳	۲۳	اردبیل	
-	-	-	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	اصفهان	
-	-	-	۲۴	۲۵	۲۶	۲۴	۲۳	۲۱	۲۶	۲۶	۲۵	البرز	
-	-	-	۱۸	۱۸	۲۰	۲۰	۱۹	۱۸	۲۱	۲۱	۲۱	ایلام	
-	-	-	۱۷	۲۵	۱۲	۲۱	۲۰	۱۶	۲۲	۲۲	۲۰	بوشهر	
-	-	-	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	تهران	
-	-	-	۱۹	۲۰	۲۱	۲۴	۲۳	۲۱	۲۶	۲۶	۲۵	چهارمحال و بختیاری	
-	-	-	۲۱	۲۱	۲۳	۱۰	۷	۱۲	۱۶	۱۴	۱۹	خراسان جنوبی	
-	-	-	۳	۳	۳	۵	۶	۳	۴	۵	۳	خراسان رضوی	
-	-	-	۱۲	۱۲	۱۴	۲۰	۱۹	۱۸	۲۰	۱۹	۲۰	خراسان شمالی	
-	-	-	۹	۱۰	۵	۸	۹	۶	۱۰	۱۰	۷	خوزستان	
-	-	-	۱۱	۹	۱۱	۱۱	۷	۱۲	۱۲	۱۱	۱۲	زنجان	
-	-	-	۱۰	۱۱	۹	۹	۱۰	۷	۵	۴	۵	سمنان	
-	-	-	۲۴	۱۶	۲۶	۲۴	۲۳	۲۱	۲۶	۲۶	۲۵	سیستان و بلوچستان	
-	-	-	۴	۴	۶	۳	۳	۴	۳	۳	۴	فارس	
-	-	-	۲۳	۲۴	۲۵	۲۳	۲۲	۲۰	۲۵	۲۵	۲۴	قزوین	
-	-	-	۵	۶	۴	۷	۸	۹	۸	۹	۹	قم	
-	-	-	۲۴	۲۵	۲۶	۲۴	۲۳	۲۱	۲۶	۲۶	۲۵	کردستان	
-	-	-	۸	۸	۷	۱۳	۱۱	۸	۱۸	۱۸	۱۳	کرمان	
-	-	-	۱۳	۱۴	۱۵	۱۹	۱۸	۱۷	۱۵	۱۳	۱۸	کرمانشاه	
-	-	-	۲۲	۲۳	۲۴	۱۴	۱۳	۱۳	۱۷	۱۷	۱۶	کهگیلویه و بویراحمد	
-	-	-	۲۴	۲۵	۲۶	۲۴	۲۳	۲۱	۲۶	۲۶	۲۵	گلستان	
-	-	-	۱۹	۱۹	۱۸	۱۸	۱۷	۱۶	۱۳	۱۲	۱۵	گیلان	
-	-	-	۲۱	۲۱	۲۶	۲۴	۲۳	۲۱	۲۶	۲۶	۲۵	لرستان	
-	-	-	۶	۷	۸	۴	۴	۵	۷	۷	۸	مازندران	
-	-	-	۱۹	۱۹	۱۹	۱۵	۱۴	۱۳	۹	۸	۱۰	مرکزی	
-	-	-	۲۲	۲۳	۲۴	۲۲	۲۱	۱۹	۲۴	۲۴	۲۲	هرمزگان	
-	-	-	۱۶	۱۵	۱۳	۱۶	۱۵	۱۴	۱۹	۲۰	۱۷	همدان	
-	-	-	۱۴	۱۷	۱۶	۱۲	۱۲	۱۱	۱۱	۱۶	۱۱	یزد	

ماخذ: یافته‌های پژوهش

همان‌گونه که از جدول (۴) مشاهده می‌شود، رتبه‌های تعیین شده براساس سه روش یاد شده، اندکی متفاوت هستند، اما هر سه روش عموماً روند و تغییر جایگاه هر استان را به طور یکسان نمایش داده‌اند. برای مقایسه بهتر نتایج هر سه روش، قدر مطلق اختلاف رتبه‌ها محاسبه شده و مقایسه دو به دو انجام گرفته است. نتایج نشان داد که مجموع قدرمطلق اختلاف رتبه‌های برآورد شده در دو روش تاپسیس و تاکسونومی به طور قابل ملاحظه‌ای از قدرمطلق اختلاف این روش‌ها با روش وزن‌دهی ساده کمتر است که نشان از نزدیک‌تر بودن نتایج تاپسیس و تاکسونومی عددی است. جدول (۵) این نتایج را نشان می‌دهد.

جدول ۵. مجموع قدرمطلق اختلاف رتبه‌های روش‌های SAW، Topsis و Taxonomy

سال	روش SAW و Topsis	روش SAW و Taxonomy	روش Topsis و Taxonomy
۱۳۸۸	۴۰	۱۸	۲۶
۱۳۸۹	۲۴	۲۴	۴
۱۳۹۰	۱۹	۱۹	۰
۱۳۹۱	۳۶	۳۸	۱۰
۱۳۹۲	۴۳	۳۵	۲۴
۱۳۹۳	۲۸	۲۶	۴
۱۳۹۴	۲۸	۲۴	۸
۱۳۹۵	۴۸	۳۶	۱۶
۱۳۹۶	۵۱	۳۵	۱۸
۱۳۹۷	۵۹	۶۹	۳۲
۱۳۹۸	۷۰	۵۸	۴۰

ماخذ: یافته‌های پژوهش

در ادامه براساس جدول (۳)، استان‌ها به چهار گروه پربرخوردار، نیمه‌برخوردار، کم‌برخوردار و محروم تقسیم شدند که نتیجه آن در جدول (ب) پیوست نمایش داده شده است. به منظور نمایش بهتر جایگاه استان‌های ایران از نظر برخورداری از شاخص قدرت اقتصادی-سیاسی، نتایج روش تاپسیس در نمودارهای (۱) قابل مشاهده است. در سال ۱۳۸۸ استان تهران و اصفهان در جایگاه اول و دوم و در گروه استان‌های پربرخوردار جای گرفته‌اند. استان‌های نیمه‌برخوردار شامل ۱۲ استان بوده و دامنه این طیف با توجه به نمودار از استان

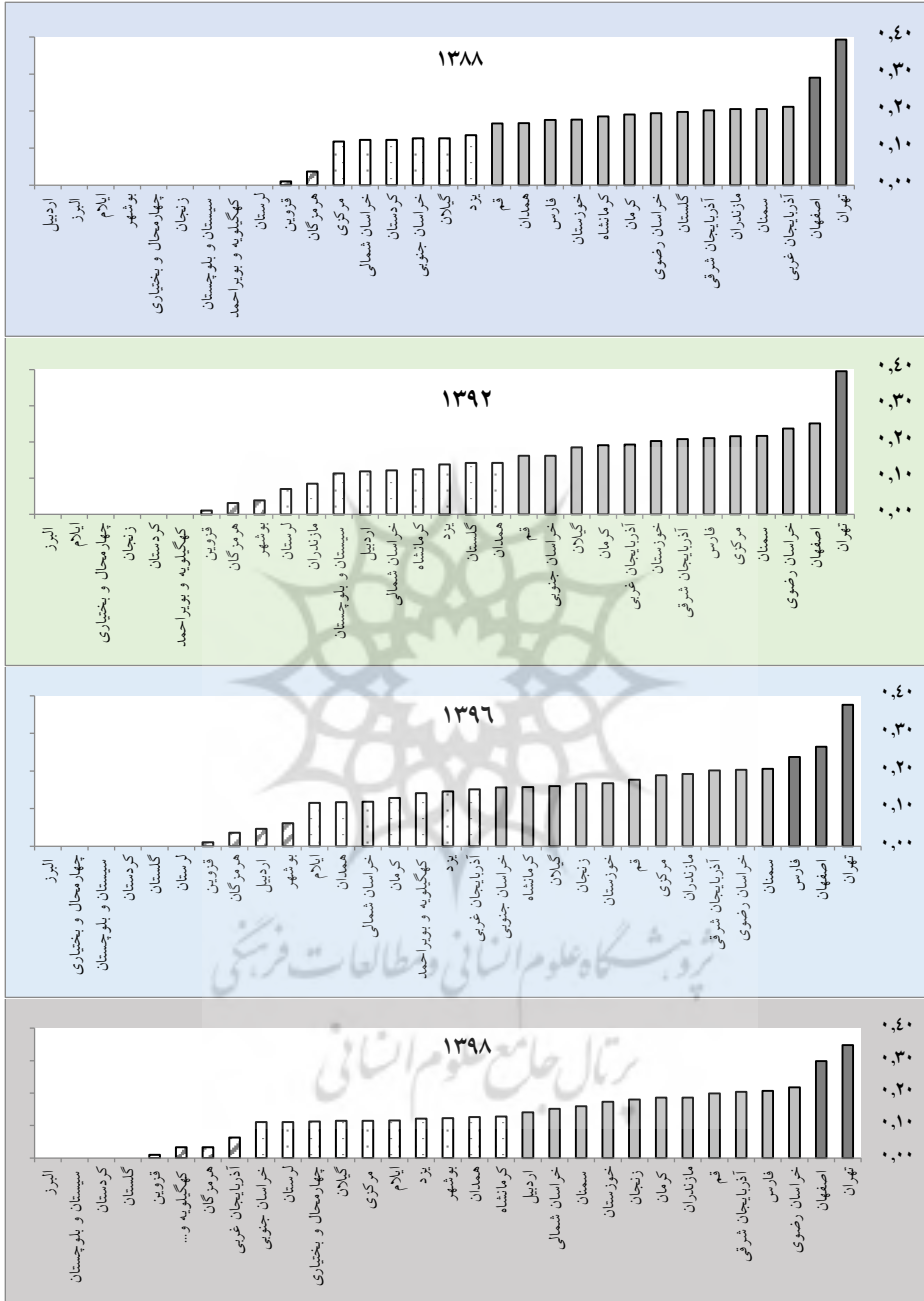
آذربایجان غربی تا قم ادامه دارد. شش استان از یزد تا مرکزی در گروه استان‌های کم‌برخوردار جای گرفتند. همچنین ۱۱ استان، محروم از قدرت اقتصادی-سیاسی بودند. در سال ۱۳۹۲، کماکان استان تهران در جایگاه نخست و به تنهایی در گروه پربرخوردار قرار داشته است. گروه استان‌های نیمه‌برخوردار شامل ۱۲ استان است که از اصفهان (بالاترین شاخص) تا قم (پایین‌ترین شاخص) را دربر می‌گیرد. همچنین به تعداد استان‌های کم‌برخوردار افزوده شده و نه استان در زمره استان‌های محروم جای گرفتند.

طبقه‌بندی شاخص قدرت استان‌ها در سال ۱۳۹۶ حاکی از آن است که جابه‌جایی چشمگیری در راس قدرت صورت نگرفته و تنها استان فارس در کنار استان تهران و اصفهان به گروه استان‌های پربرخوردار اضافه شدند. تعداد استان‌های نیمه‌برخوردار ۱۱ بوده که دامنه آن از استان سمنان تا خراسان جنوبی ادامه دارد. طبق نمودار از آذربایجان غربی تا ایلام در گروه کم‌برخوردار جای گرفته‌اند. استان‌های بوشهر، هرمزگان، اردبیل و قزوین و شش استان انتهایی نمودار در زمره استان‌های محروم باقی ماندند.

در سال ۱۳۹۸ همانند طول دوره مورد بررسی، استان‌های تهران و اصفهان کاملاً برخوردار تلقی شده‌اند. ۱۱ استان در گروه نیمه‌برخوردار قرار گرفته‌اند که این طیف در شکل با استان خراسان رضوی آغاز شده و تا استان اردبیل ادامه دارد. ۱۰ استان در گروه کم‌برخوردارند که از استان کرمانشاه تا خراسان جنوبی ادامه دارد. استان‌های کردستان و سیستان و بلوچستان همانند اغلب دوره مورد بررسی کماکان محروم از قدرت هستند.

در مجموع، استان تهران در تمامی سال‌های مورد بررسی در زمره استان‌های پربرخوردار قرار داشته و به دلیل فاصله زیاد آن از استان‌های دیگر ناهمگن تلقی می‌شود. استان اصفهان نیز همواره جایگاه دوم را به خود اختصاص داده است. فاصله این دو استان با استان‌های دیگر بسیار چشمگیر است. همچنین در طول سال‌های مورد بررسی، تعداد استان‌های نیمه‌برخوردار از قدرت چندان تغییری نکرده و در مقابل بر تعداد استان‌های واقع در سطوح کم‌برخوردار از قدرت افزوده شده است. به بیان دیگر، جابه‌جایی قدرت اغلب در سطوح میانی (برای نمونه استان‌های آذربایجان غربی، خراسان شمالی، کرمان، قم، همدان و گیلان) بوده و جابه‌جایی قابل توجهی در دو سر طیف (استان‌های تهران و اصفهان به عنوان استان‌های پربرخوردار و استان‌های کردستان، کهگیلویه و بویراحمد، ایلام و سیستان و بلوچستان به عنوان استان‌های محروم) مشاهده نمی‌شود.

نمودار ۱. طبقه‌بندی استان‌ها بر اساس شاخص قدرت اقتصادی - سیاسی



ماخذ: یافته‌های پژوهش

۲-۵. مقایسه یافته‌ها

در بخش سوم به مطالعاتی که به سنجش سطوح توسعه‌یافتگی مناطق ایران پرداخته بودند، اشاره شد. نماگرها و شاخص‌های مورد استفاده در آن مطالعات با پژوهش حاضر متفاوت است، اما نتایج آن‌ها تقریباً یکسان بوده و همگی بر نامتوازن بودن توسعه مناطق ایران صحنه می‌گذارند. پژوهش حاضر به دلیل نیاز مبرم به بررسی ارتباط قدرت سیاسی با ناهمگونی موجود اشاره شده در مطالعات پیشین، انجام شده و کوشیده است تا معیار و روشی قابل قبول و قابل اندازه‌گیری برای سنجش قدرت مناطق کشور ارائه دهد.

یافته‌های مطالعه حاضر توزیع قدرت سیاسی در مناطق ایران را براساس شاخص قدرت اقتصادی- سیاسی معرفی شده، نابرابر و نامتوازن نشان می‌دهد. همچنان که اکثریت پژوهش‌های پیشین استان‌های تهران و اصفهان و خراسان رضوی را در ردیف بالاترین استان‌های برخوردار از سطوح توسعه و استان‌های سیستان و بلوچستان، کردستان، کهگیلویه و بویر احمد، ایلام و لرستان را در پایین‌ترین سطح برخوردار از توسعه توصیف کرده‌اند. برای نمونه می‌توان به پژوهش‌های میرزاده و پریزادی (۱۳۹۷)، کریمی موعاری و براتی (۱۳۹۶)، شهیکی تاش و همکاران (۱۳۹۴)، عبدالله‌زاده و شریف‌زاده (۱۳۹۱)، لیلیان و همکاران (۱۳۹۰) اشاره کرد. بنابراین، مقایسه یافته‌های مطالعه‌های پیشین و پژوهش حاضر حاکی از آن است که بین توسعه ناهمگون فضایی و ناهمگونی توزیع فضایی قدرت اقتصادی- سیاسی همسویی وجود دارد.

همچنین برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهند الگوی توسعه مناطق ایران یک الگوی مرکز- پیرامون بوده و توسعه بیشتر مناطق مرکزی نسبت به مناطق مرزی ایران تایید می‌شود. برای نمونه می‌توان به دو پژوهش ابراهیم‌زاده و همکاران (۱۳۹۱) و توکلی‌نیا و شالی (۱۳۹۱) اشاره کرد. در همین راستا، یافته‌های پژوهش حاضر نیز نشان‌دهنده درجه برخوردار بودن بیشتر مناطق مرکزی ایران از شاخص قدرت اقتصادی- سیاسی ایران است. این تطابق، نشان می‌دهد که می‌توان تناظری را بین توزیع سطوح قدرت اقتصادی- سیاسی و سطوح توسعه اقتصادی مناطق کشور موجود مشاهده کرد.

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری


پژوهش حاضر می‌کوشد تا با بهره‌گیری از قانون بودجه کشور، نحوه توزیع قدرت اقتصادی-سیاسی استان‌های ایران را تعیین کند. برای این منظور ابتدا، داده‌های مورد نیاز تعیین و سپس نماگر قدرت برای هر منصب محاسبه شده است. این نماگر برابر ضریب اهمیت یا وزن هر منصب برای هر استان است که از حاصل ضرب سهم دستگاه محل خدمت شخص از بودجه کشور و تعداد روزهایی که فرد در هر سال متصدی منصب مورد نظر بوده به دست می‌آید. محاسبه وزن منصب افراد از این طریق دارای این مزیت است که معیاری برای مقایسه اهمیت منصب‌های مختلف فراهم می‌آورد. پس از تعیین درجه اهمیت مقامات ملی، ماتریس قدرت استان‌ها برای هر سال تشکیل شده که سطرهای ماتریس به استان‌ها و ستون‌ها به منصب‌ها اختصاص یافته است. عناصر ماتریس قدرت را وزن تعیین شده در مراحل قبل تشکیل می‌دهد. سرانجام برای ترکیب نماگرها از سه روش وزن‌دهی ساده، تاپسیس و تاکسونومی عددی استفاده شده و شاخص قدرت به دست آمده است.

سه روش یاد شده بهبود، ثبات و تنزل رتبه استان‌ها را به طور یکسانی منعکس کردند. البته نتایج برآورد رتبه استان‌ها در دو روش تاپسیس و تاکسونومی عددی تشابه بیشتری با هم داشت. یافته‌های نشان داده که توزیع شاخص قدرت در استان‌های ایران ناهمگن است. تعداد استان‌های محروم به مراتب بیشتر از استان پربرخوردار است. علاوه بر این، مشخص شده که در ساختار قدرت در سطوح بالا (پربرخوردار) و پایین (محروم) تغییر چشمگیری اتفاق نیفتاده و تنها برخی جابه‌جایی‌ها در سطوح میانی (اعم از نیمه‌برخوردار و کم‌برخوردار) به چشم می‌خورد. در نتیجه با ادامه روند موجود، استان‌های برخوردار از قدرت همچنان در برخورداری و استان‌های محروم کماکان در محرومیت باقی خواهند ماند. پیشنهاد اساسی پژوهش حاضر، ساختار شکنی در توزیع متمرکز قدرت اقتصادی-سیاسی است؛ زیرا نمی‌توان بدون تغییر در سطوح قدرت سیاسی، تغییر محسوس را در سطوح توسعه اقتصادی استان‌ها انتظار داشت.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID

Abolfazl Shahmohammadi		http://orcid.org/0000-0002-9326-4309
Mohammad Ali Feizpour		http://orcid.org/0000-0001-7395-5455
Mehdi Hajamini		http://orcid.org/0000-0001-9638-5360
Mohammad Abedi Ardakani		http://orcid.org/0000-0002-0396-1339

منابع

- ابراهیم زاده، عیسی، موسوی، میرنجف و کاظمی زاد، شمس اله. (۱۳۹۱). تحلیل فضایی نابرابری های منطقه ای میان مناطق مرزی و مرکزی ایران، ژئوپلیتیک، ۸(۱)، ۲۱۴-۲۳۵.
- احمدی، مرضیه، فلاحی، علی و دل انگیزان، سهراب. (۱۳۹۹). بررسی پویای انتقال نابرابری منطقه ای در ایران (مطالعه موردی استانهای ایران). *اقتصاد مقداری*، ۱۷(۱)، ۸۵-۱۱۹.
- اسکندری عطا، محمدرضا، مهرگان، نادر، پورفرج، علیرضا و کریمی پتانلار، سعید. (۱۳۹۸). تحلیل فضایی نابرابری منطقه ای در ایران با تاکید بر عوامل محیطی و سیاسی. *اقتصاد و توسعه منطقه ای*، ۲۶(۱۸)، ۱۹۷-۲۲۰.
- اشتریان، کیومرث. (۱۳۸۶). رابطه قدرت سیاسی - دیوانی و بودجه (مطالعه موردی موافقت نامه بودجه جاری نهاد ریاست جمهوری). *سیاست*، ۳۷(۲)، ۱-۲۴.
- امیراحمدی، هوشنگ. (۱۳۷۵). پویایی شناسی توسعه و نابرابری استانها در ایران (۶۳-۱۳۳۵). *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، ۱۰۹(۱۰۸-۱۰۹)، ۱۵۴-۱۷۱.
- آشنا، حسام الدین. (۱۳۹۰). *درآمدی بر قدرت هوشمند مطالعاتی برای جمهوری اسلامی ایران*. چ ۱. تهران: موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- بخشایشی اردستانی، احمد. (۱۳۹۸). *اصول علم سیاست*. چ ۴. تهران: انتشارات آوای نور.
- پریزادی، طاهر و میرزازاده، حجت. (۱۳۹۷). توسعه منطقه ای در ایران با رویکرد عدالت توزیعی. *تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، ۱۸(۵۰)، ۱۷۹-۱۹۸.
- پژوهان، جمشید. (۱۳۷۶). *مالیه عمومی و تعیین خط مشی دولت ها*. تهران: انتشارات پیام نور.
- پیشگاهی فرد، زهرا، قالیباف، محمدباقر، مرادی نیا، سجاد و مومنی، حمیده. (۱۳۹۲). آسیب شناسی توزیع فضایی قدرت سیاسی در کلان شهر تهران با تاکید بر حکمروایی شهری. *جغرافیا*، ۱۱(۳۸)، ۹۳-۱۱۲.
- تفضلی، فریدون. (۱۳۷۵). *تاریخ عقاید اقتصادی (از افلاطون تا دوره معاصر)*. چاپ دوم، تهران: نشر نی.
- توکلی نیا، جمیله و شالی، محمد (۱۳۹۱). نابرابری های منطقه ای در ایران. *آمایش محیط*، ۵(۱۸)، ۱-۱۵.

جعفریان، وحید، یزدانی، محمدرضا، رحیمی، محمد و قربانی، مهدی. (۱۳۹۵). تحلیل شبکه‌ای ساختار قدرت دست‌اندرکاران سازمانی مدیریت منابع آب دشت گرمسار. *تحقیقات منابع آب ایران*، ۱۲(۳)، ۱۱۴-۱۲۹.

حافظ‌نیا، محمدرضا و کاویانی‌راد، مراد. (۱۳۸۳). *افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی*. تهران: انتشارات سمت.

حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۸۹). *قدرت و منافع ملی (مبانی، مفاهیم و روش‌های سنجش)*. تهران: انتشارات انتخاب.

راسل، برتراند. (۱۳۸۵). *قدرت*. ترجمه نجف دریابندی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات خوارزمی. زیرکی، محمدرضا و اخباری، محمد. (۱۳۹۸). الگوی بهینه سیاسی-فضایی توزیع قدرت اجتماعی در منطقه بلوچستان. *تحقیقات جغرافیایی*، ۳۵(۱)، ۱۱-۱۸.

شهیکی‌تاش، محمدنبی، یغفوری، حسین و درویشی، باقر. (۱۳۹۴). بررسی شدت عدم تعادل فضایی و منطقه‌ای رفاه در استان‌های ایران (مطالعه مقایسه‌ای رفاه مبتنی بر دیدگاه هاروی و اسمیت)، *برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، ۵(۱۷)، ۱۵-۳۰.

صادقی‌عمروآبادی، بهروز و کاظمی، احسان. (۱۴۰۱). تحلیل اثر حکمرانی خوب و چرخه‌های تجاری بر تغییرات نقدینگی و کسری بودجه در ایران، *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، ۲۷(۹۰)، ۱۷۱-۲۰۷.

عالم، عبدالرحمن. (۱۳۹۴). *بنیادهای علم سیاست*. تهران: نشر نی.

عبداله‌زاده، غلامحسین و شریف‌زاده، ابوالقاسم. (۱۳۹۱). *سطح‌بندی توسعه منطقه‌ای در ایران (کاربرد رهیافت شاخص ترکیبی)*، *مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، ۴(۱۳)، ۱۴-۹۲.

غفاری، هادی و چنگی‌آشتیانی، علی. (۱۳۸۹). *تاریخ عقاید اقتصادی*. تهران: انتشارات پیام نور. قالیباف، محمداقرا، پورموسوی، سیدموسی و امیدوی آوج، مریم. (۱۳۹۰). *درآمدهای نفتی و توزیع فضایی قدرت سیاسی در ایران*. *فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک*، ۷(۲)، ۳۷-۷۰.

قره‌باغیان، مرتضی. (۱۳۹۳). *اقتصاد رشد و توسعه*. ج ۱. چ ۱۳. تهران: نشر نی.

کریمی‌موغاری، زهرا و براتی، جواد. (۱۳۹۶). تعیین سطح نابرابری منطقه‌ای استان‌های ایران: تحلیل شاخص ترکیبی چندبعدی، *پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، ۷(۲۶)، ۴۹-۷۰.

لیلان، رضا، رخشانی‌نسب، حمیدرضا و رمضان‌زاده، رقیه. (۱۳۹۰). *تحلیل عوامل موثر بر توسعه منطقه‌ای در ایران، فصلنامه مطالعات مدیریت شهری*، ۳(۶)، ۹۵-۱۲.

- محمدی کنگرانی، حنا، شامخی، تقی و اشتریان، کیومرث. (۱۳۸۹). بررسی تاثیرات قدرت رسمی و غیررسمی سازمان‌ها در تخصیص بودجه (مطالعه حوزه منابع طبیعی در برنامه چهارم توسعه استان کهگیلویه و بویراحمد). *مجله جنگل ایران*، ۲(۴)، ۳۳۱-۳۴۳.
- مصطفی نژاد، عباس. (۱۳۹۶). *اقتصاد سیاسی ایران*، دوران معاصر. چ ۳. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- نای، جوزف. (۱۳۸۷). *قدرت نرم (ابزارهای موفقیت در سیاست بین الملل)*. ترجمه سیدمحسن روحانی و مهدی ذوالفقاری. چاپ دوم، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- نبوی، سیدعباس. (۱۳۷۹). *فلسفه قدرت*. چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
- ندیری، محمد و پندار، مهدی. (۱۳۹۴). *درآمدی بر ساختارهای نهادی و فرآیند توسعه*. چ ۱. تهران: انتشارات آماره.
- وکیلی، شروین. (۱۳۸۹). *نظریه‌های قدرت*. ۱. تهران: انتشارات مهارت.
- وینسنت، اندرو. (۱۳۸۵). *نظریه‌های دولت*. ترجمه حسین بشیریه. چ ۵. تهران: نشر نی.

References

- Abdulai, A. (2014). Rethinking spatial inequalities in development: the primacy of politics and power relations. *ESID Working Paper*, (29), 1-38.
- Abdollahzade, Gh. & Sharifzadeh, A. (2012). Classifying regional development in Iran (Application of Composite Index Approach). *Iran Regional studies and Researches*, 4(13), 41-62. [In Persian]
- Ahmadi, M., Falahati, A. & Delangizan, S. (2020). Transition dynamic analysis of the regional disparity in Iran (case study: Iran provinces). *Quarterly Journal of Quantitative Economics*, 17(1), 85-119. [In Persian]
- Alem, A. (2015). *Principles of politics*. Tehran, Tehran: NeiyPress. [In Persian]
- Alwy, A., & Schech, S. (2004). Ethnic inequalities in education in Kenya. *International Education Journal*, 5(2), 266-274.
- Ansolabehere, S., & Snyder, J.M. (2006). Party control of state government and the distribution of public expenditures. *Scandinavian Journal of Economics*, 108(4), 547-569.
- Arulampalama, W., Dasgupta, S., Dhillon, A., & Dutta, B. (2009). Electoral goals and center-state transfers: a theoretical model and empirical evidence from India. *Journal of Development Economics*, (88), 103-119.
- Ashena, H. (2011). *Smart power*. (1st ed.), Tehran: Educational and Research Institute of Defense Industries. [In Persian]

- Ashtarian, K., (2007). The relationship between political- bureaucratic power and the budget (a case study of the current budget agreement of the presidential institution). *Politics Quarterly*, 37(2), 1-24. [In Persian]
- Bakhshayeshi Ardestani, A. (2019). *Principle of politics*, (4nd ed.), Tehran: Avaye Noor Press. [In Persian]
- Charron, N. (2016). Explaining the allocation of regional structural funds: the conditional effect of governance and self-rule. *European Union Politics*, 17(4), 638-659.
- Clegg, S. R. (1989). *Frameworks of power*. (1nd ed.). London: SAGE Publications Ltd.
- Corvalan, A., Cox, P., & Osorio, R. (2018). Indirect political budget cycles: Evidence from Chilean municipalities. *Journal of Development Economics*, (133), 1-14.
- Dahl R. (1985). *A preface to economic democracy*. California: University of California Press.
- Deleuze, G., & Guattari, F. (1987). *A thousand Plateaus*. Minnesota: University of Minnesota Press.
- Ebrahimzadeh, I., Mousavi, M. N. & Kazemizad, S. (2012). Spatial analysis of regional disparities between the central and border areas of Iran. *Geopolitics*, 8(1), 214-235. [In Persian]
- El Alaoui, M. (2021). *Fuzzy TOPSIS: Logic, Approaches, and Case Studies*. CRC Press.
- Eskandari Ata, M. R., Mehregan, N., Pourfaraj, A. & Petanlar, S. K. (2019). Spatial analyses of regional inequality with emphasis on environmental and political factors. *Journal of Economics and Regional Development*, 26(18), 197-220. [In Persian]
- Foucault, M. (1978). *The history of sexuality: an introduction*. Translated by Hurley Robert, (1nd ed.). New York: Pantheon Books.
- Foucault, M. (1994). *The hermeneutic of the subject, in ethics: subjectivity and truth*. London: Penguin.
- Ghafari, H., Changi Ashtiani, A. (2010). *The history of economic thoughts*. Tehran: Payame Noor Press. [In Persian]
- Ghalibaf, M. B., Pourmoussavi, S. M. & Omidi Avaj, M. (2011). Oil revenues and spatial distribution of political powers in Iran. *Geopolitics*, 7(2), 37-70. [In Persian]
- Gharebaghian, M. (2004). *Growth and development Economics*. (13nd ed.), Tehran: Ney Press. [In Persian]
- Hafeznia, M. (2010). *Power and national interests (fundamentals, concepts and measurement methods)*. Tehran: Entekhab Press. [In Persian]

- Hafeznia, M. & Kavyani Rad, M. (2010). *New horizons in political geography*. Tehran: Samt Press. [In Persian]
- Harriss-White, B. (1996). Liberalization and corruption: Resolving the paradox (a discussion based on south Indian material). *IDS Bulletin*, 27(2), 31-39.
- Hobbes, T. (1968). *Leviathan*. Harmondsworth: Penguin.
- Hoover, G. A., & Pecorino, P. (2005). The political determinants of federal expenditure at the state level. *Public Choice*, (123), 95-113.
- Jafarian, V., Yazdani M. R., Rahimi, M. & Ghorbani, M. (2016). Network analysis of organizational stakeholders on water resource management in Garmsar plain. *Iran- Water Resources Researches*, 12(3), 114-129. [In Persian]
- Jevons, W. S. (1871). *The theory of political economy*. Reprinted by New York: Kelley and Macmillan, 1911.
- Karimi Moughari, Z. & Barati, J. (2017). Determining the level of regional inequality in provinces of Iran: analysis of multidimensional composite index. *Economic Growth and development Research*, 7(26), 49-70. [In Persian]
- Keynes, J. M. (1936). *The General Theory of Employment, Interest and Money*. London: Macmillan.
- Keneck-Massil, J., Nomo-Beyala, C., & Owoundi, F. (2021): The corruption and income inequality puzzle: Does political power distribution matter?, *Economic Modelling*, (103), 1-34.
- Larcinese, V., Rizzo, L., & Testa, C. (2006). Allocating the U.S. federal budget to the states: The impact of the president. *The Journal of Politics*, 68(2), 447-456.
- Lilian, R., Rakhshani Nasab, H. R., Ramazan Zadeh, R. (2011). Analysis of effective factors on regional development in Iran. *Urban Management Studies*, 3(6), 12-95. [In Persian]
- Lukes, S. (1974). *Power: A Radical View*. UK: Macmillan Education.
- Lukes, S. (1986). *Power*. Oxford: Blackwell.
- List, F. (1841). *The National System of Political Economy*, Translated by Sampson S. Lloyd, 1885. New York: Longmans.
- Menger, C. (1871). *Principle of economics*. Translated by James Dingwall & Bert Hoselits. Reprinted in 2007. Alabama: Ludwig von Mises Institute.
- Mill, J. S. (1848). *Principles of political economy with some of their applications to social philosophy*, (1nd ed.), London: John W. Parker.
- Machiavelli, N. (1958). *The prince*. London: Everyman.
- Mills, C.W. (1956). *The Power of elite*. London: Oxford University Press.

- Mohammadi Kangarani, H., Shamekhi, T. & Ashtarian, K. (2010). Investigation of the effects of formal and informal lobbying of organizations on budget allocation, study of natural resources field in 4th development plan of Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad province. *Iranian Journal of Forest*, 2(4), 331-343. [In Persian]
- Mossalanejad, A. (2017). *Political economy of Iran*. (3rd ed.). Tehran: Tehran University Press. [In Persian]
- Mosca, G. (1939). *The ruling class*. New York: McGraw Hill.
- Nabavi, S. A. (2000). *The philosophy of power*. (1st ed.). Tehran: Samt Press. [In Persian]
- Nadiri, M., & Pendar, M. (2015). Institutional structures and development process. (1st ed.). Tehran: Amareh Press. [In Persian]
- Nye, J. (2004). *Soft power, the means to success in world politics*. Translated by Seyed Mohsen Rouhani & Mehdi Zoalfaghari (2nd ed.). Tehran: Emam Sadegh University Press. [In Persian]
- Olejnik, L. (2019). Local political business cycles and administration spending in Polish local governments. *Economic and Regional Studies*, 12(2), 187-199.
- Ozanne, A. (2016). *Power and neoclassical economics: A return to political economy in the teaching of economics*. (1st ed.). Palgrave Macmillan.
- Palaniswamy, N., & Krishnan, N. (2012). Local politics, political institutions, and public resource allocation. *Economic Development and Cultural Change*, 60(3), 449-473.
- Parsons, T. (1969). *Politics and social structure*. New York: Free Press.
- Parizad, T., Mirzazadeh, H. (2018). Analysis of factors affecting regional development in Iran. *Scientific Journals Management System*, 18(50), 179-198. [In Persian]
- Pazhuhani, J. (1997). *Public finance and government policy determination*. Tehran: Payame Noor Press. [In Persian]
- Poulantzas, N. A. (1978). *Political power and social classes*. New York: New Left Review.
- Pishgahifard, Z., Ghalibaf, M. B., Moradnia, S. & Momeni, H. (2013). Pathology of the spatial distribution of political power in the metropolis of Tehran with an emphasis on urban governance. *Journal of Geography*, 11(38), 93-112. [In Persian]
- Russell, B. (2006). *Power: a new social analysis*. Translated by Najaf Daryabandi. (4th ed.). Tehran: Kharazmi Press. [In Persian]

- Reino, J. L. G. & Alcalde, A. H. (2011). Political determinants of regional financing: The case of Spain. *Environment and planning C: government and policy*, (29), 802-820.
- Ricardo, D. (1817). *On the principles of political economy and taxation*. (1st ed.), London: John Murray.
- Sadeghi Amroabadi, B. & Kazemi, E. (2022). The Effects of Good Governance and Political Cycles on the Changes of Liquidity and Budget Deficit in Iranian Economy. *Iranian Journal of Economic Research*, 27(90), 171-207. [In Persian]
- Shahikitash, M. N., Yaghfori, H. & Darvishi, B. (2015). Review the intensity of spatial and regional imbalance of welfare (comparative study of welfare in Iran provinces based on Harvey and Smith approaches). *Journal of Regional Planning*, 5(17), 15-30. [In Persian]
- Smith, A. (1776). *An inquiry into the nature and causes of the wealth of nations*. (1st ed.). London: W. Strahan.
- Solé-Ollé, A. & Navarro, P.S. (2008). The effects of partisan alignment on the allocation of inter-governmental transfers. differences-in-differences estimates for Spain. *Journal of Public Economics*, (92), 2302-2319.
- Tafazoli, F. (1996). *History of economic thoughts (from Plato to the contemporary period)*. (2nd ed.). Tehran: Ney Press. [In Persian]
- Tavakolinia, J. & Shali, M. (2012). Regional inequalities in Iran. *Quarterly Journal of Environmental-based Territorial Planning*, 5(18): 1-15. [In Persian]
- Vakili, Sh. (2010). *Power theories*. (1st ed.). Tehran: Amareh Press. [In Persian]
- Vincent, A. (1987). *Theories of the state*. Translated by Hosein Bashirieh. Tehran: Ney Press. [In Persian]
- Zerakee, M. & Akhbaree, M. (2020). Optimum political-spatial pattern of social power distribution in Baluchestan region. *Geographical Researches*, 25(1), 11-18. [In Persian]

پیوست الف

درجه اهمیت مناصب نهادهای مندرج در قانون بودجه کشور

سال	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	منصب
رئیس جمهور	۸۶/۱۵	۸۲/۹۳	۷۹/۵۶	۷۷/۰۳	۷۵/۷۰	۷۸/۹۵	۸۰/۵۱	۸۱/۱۲	۷۸/۵۷	۷۵/۴۳	۸۱/۳۲	
رئیس دفتر	۰/۸۳۲	۰/۵۴۹	۰/۴۴۱	۰/۳۰۹	۰/۳۰۱	۰/۲۹۹	۰/۲۲۶	۰/۲۲۲	۰/۲۰۱	۰/۱۹۸	۰/۱۶۳	
معاون اول	۴۲/۴۱	۴۳/۷۷	۴۲/۹۴	۳۸/۷۰	۳۴/۰۹	۳۴/۳۸	۳۴/۰۸	۳۷/۵۵	۳۵/۶۶	۴۱/۴۲	۳۷/۲۱	
معاون اقتصادی	-	-	-	-	۰/۰۴۷	۰/۰۴۵	۰/۰۳۵	۰/۰۳۱	۰/۰۲۵	۰/۰۲۴	۰/۰۱۸	
معاون امور مجلس	-	۰/۰۰۶	۰/۰۰۵	۰/۰۰۴	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	
معاون حقوقی	-	۰/۰۰۸	۰/۰۱۲	۰/۰۱۱	۰/۰۰۹	۰/۰۱۵	۰/۰۱۸	۰/۰۱۹	۰/۰۱۹	۰/۰۱۹	۰/۰۱۷	
معاون امور زنان	۰/۰۱۸	۰/۰۱۳	۰/۰۱۱	۰/۰۰۹	۰/۰۰۵	۰/۰۰۵	۰/۰۰۵	۰/۰۰۷	۰/۰۰۵	۰/۰۰۷	۰/۰۰۴	
معاون علمی و فناوری	۰/۴۶	۰/۲۳	۰/۱۹	۰/۲۳	۰/۱۷	۰/۲۷	۰/۶۰	۰/۴۲	۰/۳۸	۰/۴۳۳	۰/۰۷۹	
رئیس قوه قضاییه	۲/۴۹	۱/۸۳	۲/۰۲	۲/۱۴	۱/۹۸	۱/۹۴	۱/۸۲	۲/۱۰	۲/۱۷	۳/۲۲	۳/۰۹	
رئیس قوه مقننه	۰/۱۶	۰/۳۳۹	۰/۵۳۴	۰/۳۰۱	۰/۴۷	۰/۳۵	۰/۴۸	۰/۳۲	۰/۳۲	۰/۳۵	۰/۲۶	
شورای عالی امنیت ملی	۰/۰۰۵	۰/۰۳۴	۰/۰۲۹	۰/۰۲۴	۰/۰۱۲	۰/۰۱۰	۰/۰۰۹	۰/۰۰۸	۰/۰۰۷	۰/۰۰۶	۰/۰۰۳	
هیات رئیسه مجلس خبرگان	۰/۰۰۱	۰/۰۰۴	۰/۰۰۰	۰/۰۰۳	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۳	۰/۰۰۲	
اعضای حقیقی مجمع تشخیص مصلحت نظام	۰/۰۱۶	۰/۰۳۰	۰/۰۳۰	۰/۰۳۰	۰/۰۲۷	۰/۰۲۸	۰/۰۳۱	۰/۰۳۰	۰/۰۲۸	۰/۰۳۱	۰/۰۱۵	
اعضای ستاد مبارزه با مواد مخدر	-	۰/۱۰۵	۰/۰۹۴	۰/۱۱۳	۰/۰۸۸	۰/۰۹۲	۰/۰۸۲	۰/۰۷۶	۰/۰۷۸	۰/۰۸۹	۰/۰۷۳	
اعضای مجلس شورای اسلامی	۰/۱۹۴	۰/۱۶۸	۰/۳۶۳	۰/۱۵۸	۰/۳۲۹	۰/۲۱۵	۰/۳۴۰	۰/۱۹۰	۰/۱۹۷	۰/۱۸۹	۰/۱۱۳	
اعضای شورای نگهبان	۰/۰۴۳	۰/۰۳۳	۰/۰۳۹	۰/۰۴۰	۰/۰۳۴	۰/۰۲۷	۰/۰۵۰	۰/۰۴۴	۰/۰۳۸	۰/۰۳۷	۰/۰۲۵	
رئیس سازمان اداری و استخدامی کشور	-	-	-	-	-	-	-	-	۰/۰۲۱	۰/۰۲۷	۰/۰۲۸	
رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران	۰/۰۴۶	۰/۰۴۰	۰/۰۳۶	۰/۰۴۰	۰/۰۳۰	۰/۰۲۹	۰/۰۲۱	۰/۰۴۱	۰/۰۴۲	۰/۰۴۱	۰/۰۳۳	
رئیس دیوان محاسبات	۰/۰۹۶	۰/۱۱۶	۰/۱۲۰	۰/۱۰۳	۰/۱۰۶	۰/۱۰۴	۰/۱۰۶	۰/۱۰۴	۰/۱۰۱	۰/۱۳۳	۰/۱۲۵	
وزیر اطلاعات	۰/۸۵۸	۰/۸۶۲	۰/۵۸۸	۰/۹۴	۰/۹۴	۱/۰۳	۱/۱۹	۱/۴۳	۱/۴۳	۱/۵۰	۱/۵۲	
رئیس سازمان برنامه و بودجه	۰/۶۱۲	۰/۶۲۲	۰/۸۴۸	۰/۸۱۶	۰/۱۷۳	۰/۱۵۷	۰/۳۹۲	۰/۳۶۵	۰/۳۱۹	۰/۳۶۵	۰/۵۴۲	
وزیر کشور	۴/۱۱	۳/۵۴	۴/۰۹	۴/۶۸	۳/۹۱	۳/۸۹	۳/۶۸	۳/۸۰	۳/۵۵	۵/۵۳	۴/۷۱	
سازمان ثبت احوال کشور	۰/۰۴۸	۰/۰۳۷	۰/۰۷۴	۰/۰۷۴	۰/۰۵۸	۰/۰۴۲	۰/۰۳۸	۰/۱۳۱	۰/۱۴۲	۰/۳۳۱	۰/۲۴۶	
رئیس سازمان امور شهرداری‌ها و دهیاری‌ها	۰/۱۲۰	۰/۰۹۶	۰/۰۸۹	۰/۱۸۲	۰/۱۲۱	۰/۰۹۰	۰/۰۹۰	۰/۰۹۰	۰/۱۲۵	۰/۲۸۶	۰/۱۹	
فرمانده نیروی انتظامی ج.ا.ا.	۳/۳۳	۲/۹۷	۲/۹۵	۲/۷۸	۲/۶۷	۲/۹۳	۲/۷۳	۲/۸۲	۲/۸۳	۴/۵۴	۳/۹۵	
وزیر امور خارجه	۰/۸۸	۰/۶۳	۰/۵۲	۰/۵۳	۰/۵۵	۰/۵۸	۰/۵۶	۰/۵۲	۰/۵۲	۰/۶۵	۰/۷۲	

ادامه جدول- درجه اهمیت مناصب نهادهای مندرج در قانون بودجه کشور

سال	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	منصب
وزیر دادگستری	۰/۱۲۴	۰/۱۱۲	۰/۰۹۳	۰/۰۸۷	۰/۰۸۰	۰/۰۷۸	۰/۰۷۱	۰/۰۹۷	۰/۰۹۳	۰/۱۱۵	۰/۱۲۵	
رئیس سازمان دیوان عدالت اداری	۰/۰۱۶	۰/۰۱۷	۰/۰۲۱	۰/۰۱۹	۰/۰۱۷	۰/۰۱۴	۰/۰۱۵	۰/۰۱۸	۰/۰۲۳	۰/۰۳۶	۰/۰۴۳	
رئیس سازمان زندانها و اقدامات تربیتی	۰/۰۸	۰/۰۱۷	۰/۱۰	۰/۱۶	۰/۳۶	۰/۳۲	۰/۲۷	۰/۲۷	۰/۳۱	۰/۴۶	۰/۴۳	
رئیس سازمان بازرسی کل کشور	۰/۰۳۶	۰/۰۴۳	۰/۰۴۳	۰/۰۳۸	۰/۰۳۲	۰/۰۳۲	۰/۰۴۲	۰/۰۴۶	۰/۰۴۸	۰/۰۵۷	۰/۴۹	
رئیس سازمان پزشکی قانونی	۰/۰۵۰	۰/۰۴۰	۰/۰۸۵	۰/۰۶۶	۰/۰۶۱	۰/۰۴۸	۰/۰۳۷	۰/۰۳۸	۰/۰۴۸	۰/۱۱۵	۰/۰۹۴	
رئیس سازمان اوقاف و امور خیریه	۰/۰۷۰	۰/۰۵۵	۰/۰۵۹	۰/۰۶۴	۰/۰۶۶	۰/۰۵۱	۰/۰۵۲	۰/۰۵۰	۰/۰۵۰	۰/۱۴	۰/۱۲	
وزیر امور اقتصادی و دارایی	۰/۸۱	۰/۷۸	۰/۸۲	۱/۱۵	۱/۲۸	۱/۴۹	۱/۵۱	۱/۶۱	۱/۷۰	۲/۵۴	۲/۳۲	
رئیس سازمان امور مالیاتی کشور	۰/۲۰	۰/۳۷	۰/۳۲	۰/۶۲	۰/۶۷	۰/۸۵	۰/۸۹	۰/۹۶	۰/۸۷	۱/۶۱	۱/۱۷	
رئیس گمرک ج.ا.ا	۰/۰۷	۰/۰۸	۰/۱۶	۰/۲۲	۰/۲۹	۰/۲۷	۰/۲۶	۰/۲۷	۰/۲۵	۰/۳۱	۰/۳۲	
وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح	۷/۴۶	۳/۲۹	۹/۸۵	۱۰/۸۱	۹/۴۰	۸/۹۱	۸/۳۱	۸/۹۱	۸/۳۹	۹/۸۸	۸/۷۱	
فرمانده ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران	۲/۳۳	۳/۰۳	۲/۸۵	۲/۶۹	۳/۰۶	۳/۳۰	۲/۷۴	۲/۶۷	۲/۸۳	۳/۴۳	۲/۶۵	
فرمانده ارتش ج.ا.ا	۳/۲۲	۳/۰۶	۲/۸۹	۲/۷۲	۳/۰۸	۳/۳۱	۲/۷۸	۲/۷۰	۲/۸۶	۳/۴۶	۲/۶۹	
ستاد مشترک سپاه پاسداران	۸/۴۰	۷/۰۳۳	۱۰/۵۷	۱۰/۸۳	۱۰/۶۰	۷/۱۵	۶/۶۵	۶/۴۱	۸/۴۸	۹/۴۴	۶/۶۲	
فرمانده سپاه پاسداران	۹/۰۷	۷/۷۴	۱۱/۲۱	۱۱/۳۰	۱۱/۱۹	۷/۵۹	۷/۲۳	۶/۹۴	۸/۹۷	۹/۹۸	۷/۰۹	
فرمانده سازمان بسیج مستضعفین	۰/۶۴	۰/۶۴	۰/۵۷	۰/۵۱	۰/۵۵	۰/۴۰	۰/۵۲	۰/۴۸	۰/۴۳	۰/۴۳	۰/۳۵۴	
نماینده ولی فقیه در سپاه	۰/۰۱۸	۰/۰۱۶	۰/۰۱۵	۰/۰۱۲	۰/۰۱۱	۰/۰۱۰	۰/۰۲۷	۰/۰۲۵	۰/۰۲۴	۰/۰۳۳	۰/۰۲۹	
رئیس ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح	۱۹/۸۵	۱۴/۱۷	۲۴/۰۷	۲۷/۶۰	۲۷/۲۷	۲۳/۶۹	۲۲/۰۰	۲۴/۲۹	۲۴/۰۷	۲۸/۴۷	۲۲/۵۶	
وزیر علوم، تحقیقات و فناوری	۴/۴۰	۴/۴۴	۴/۴۶	۴/۹۵	۵/۰۲	۵/۴۸	۵/۱۱	۴/۹۹	۴/۷۵	۳/۰۰	۴/۵۹	
رئیس میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری	۰/۴۸	۰/۳۹	۰/۳۰	۰/۲۸	۰/۲۱	۰/۲۴	۰/۲۴	۰/۳۱	۰/۲۸	۰/۳۱	۰/۲۹	
وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی	۰/۸۶	۰/۵۶	۰/۵۵	۰/۸۳	۰/۶۷	۰/۶۰	۰/۵۸	۰/۶۲	۰/۶۲	۰/۷۲	۰/۶۰	

ادامه جدول- درجه اهمیت مناصب نهادهای مندرج در قانون بودجه کشور

سال	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	منصب
اعضای شورای عالی حوزه های علمیه		۰/۲۱	۰/۱۴	۰/۱۷	۰/۲۸	۰/۲۷	۰/۱۶	۰/۱۴	۰/۱۳	۰/۱۶	۰/۰۷۹	
ریس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی	۰/۳۹	۰/۱۳	۰/۱۳	۰/۱۳	۰/۱۳	۰/۱۲	۰/۱۱	۰/۱۰	۰/۱۰	۰/۱۲	۰/۰۸	
ریس سازمان تبلیغات اسلامی	-	۰/۱۳	۰/۱۰	۰/۱۰	۰/۱۴	۰/۱۵	۰/۱۵	۰/۱۴	۰/۱۳	۰/۱۵۴	۰/۰۸۹	
وزیر آموزش و پرورش	۱۸۸۳	۱۶۷۴	۱۶۷۴	۱۲/۶۵	۱۱/۶۹	۱۳/۴۴	۱۳/۰۱	۱۳/۶۵	۱۲/۵۳	۱۳/۵۸	۱۳/۱۱	
وزیر ورزش و جوانان	۰/۶۳	۰/۴۳	۰/۴۱	۰/۴۱	۰/۳۰	۰/۲۱	۰/۲۸	۰/۴۰	۰/۴۰	۰/۳۲	۰/۳۳	
وزیر بهداشت درمان و آموزش پزشکی	۱۱/۳۲	۱۱/۴۳	۱۱/۸۸	۱۵/۴۵	۱۷/۰۸	۲۰/۴۳	۲۳/۸۴	۲۲/۴۳	۲۳/۲۱	۱۲/۱۰	۲۰/۱۷	
سرپرست کمیته امداد امام خمینی (ره)	۲/۸۳	۲/۳۴	۲/۱۹	۲/۰۰	۱/۸۰	۱/۹۶	۱/۷۷	۱/۷۰	۱/۵۹	۱/۷۰	۱/۴۱	
ریس انستیتویاسنور ایران	۰/۰۴۵	۰/۰۳۷	۰/۰۵۶	۰/۰۴۸	۰/۰۴۷	۰/۰۴۷	۰/۰۴۵	۰/۰۵۲	۰/۰۵۰	۰/۰۴۵	۰/۰۴۳	
ریس جمعیت هلال احمر ایران	-	۰/۲۶	۰/۴۱	۰/۳۴	۰/۲۳	۰/۴۳	۰/۳۷	۰/۳۵	۰/۳۲	۰/۵۵	۰/۳۹	
ریس سازمان بهزیستی کشور	۰/۸۹	۰/۸۶	۰/۷۱	۰/۶۸	۰/۸۳	۰/۸۶	۰/۸۱	۰/۷۹	۰/۷۴	۰/۸۶	۱/۰۵	
ریس بنیاد شهید و امور ایثارگران	۴/۴۸	۴/۳۰	۴/۰۶	۳/۸۹	۴/۰۶	۴/۴۳	۴/۱۴	۴/۰۶	۳/۹۶	۴/۱۸	۳/۶۳	
ریس سازمان تامین اجتماعی	۰/۱۴۲	۰/۱۰۶	۰/۱۱۸	۰/۱۶۰	۰/۱۵۷	۰/۱۷۲	۰/۱۴۳	۰/۱۴۱	۰/۱۳۱	۰/۴۱۸	۰/۴۲۲	
ریس بنیاد مسکن انقلاب اسلامی	۰/۰۹۲	۰/۰۴۶	۰/۰۲۶	۰/۱۵۴	۰/۱۶۲	۰/۰۹۱	۰/۲۵۷	۰/۱۶۱	۰/۰۹۲	۰/۱۰	۰/۱۰۵	
ریس سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی	۰	۰/۳۷	۰/۳۱	۰/۲۹	۰/۲۷	۰/۲۸	۰/۳۳	۰/۳۶	۰/۳۵	۰/۳۸	۰/۳۴	
ریس سازمان دامپزشکی کشور	-	۰/۰۳۴	۰/۰۳۵	۰/۰۵۳	۰/۰۴۵	۰/۴۲	۰/۰۴۴	۰/۰۴۸	۰/۰۵۳	۰/۰۸۹	۰/۰۷۹	
ریس موسسه رازی	۰/۰۷۰	۰/۰۶۵	۰/۰۵۸	۰/۰۶۲	۰/۰۸۳	۰/۱۰۹	۰/۱۱۴	۰/۰۹۴	۰/۰۹۲	۰/۰۹۲	۰/۰۹۷	
ریس سازمان جنگل ها، مراتع و آبخیزداری	-	۰/۲۵	۰/۲۱	۰/۲۲	۰/۱۸	۰/۱۳	۰/۱۹	۰/۲۵	۰/۳۹	۰/۲۷	۰/۱۹	
ریس سازمان حفاظت محیط زیست	۰/۱۱۴	۰/۰۹۷	۰/۰۸۲	۰/۱۰۹	۰/۰۶۳	۰/۰۶۴	۰/۰۶۹	۰/۰۸۲	۰/۰۸۱	۰/۱۰۳	۰/۱۰۸	
وزیر نفت	۰/۱۶	۰/۱۹	۰/۱۷	۰/۱۵	۰/۱۲	۰/۰۸۴	۰/۰۸۶	۰/۰۷۸	۰/۰۶۳	۰/۰۵۹	۰/۰۳۷	
وزیر نیرو	۵/۳۹	۶/۵۱	۵/۴۴	۴/۸۵	۵/۲۶	۳/۵۶	۳/۶۱	۳/۱۷	۲/۸۶	۲/۳۱	۲/۲۱	

ادامه جدول- درجه اهمیت مناصب نهادهای مندرج در قانون بودجه کشور

سال	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	منصب
رئیس سازمان انرژی اتمی ایران	۰/۵۱	۰/۳۹	۰/۴۳	۰/۴۸	۰/۵۴	۰/۴۸	۰/۴۲	۰/۳۹	۰/۳۳	۰/۳۰	۰/۲۲	
وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات	۰/۰۶	۰/۰۶	۰/۱۰	۰/۳۱	۰/۲۵	۰/۱۹	۰/۲۴	۰/۲۱	۰/۱۷	۱/۳۸	۰/۹۸	
وزیر جهاد کشاورزی	۲/۴۰	۱/۹۳	۱/۹۹	۱/۸۸	۱/۸۳	۱/۳۰	۱/۳۷	۱/۴۳	۲/۳۲	۱/۸۳	۱/۳۶	
وزیر راه و شهرسازی	۷/۱۹	۵/۳۵	۴/۴۲	۴/۹۰	۴/۳۱	۳/۱۲	۳/۵۱	۳/۴۸	۳/۲۳	۲/۸۶	۲/۲۸	
وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی	-	۰/۰۳۸	۹/۲۳	۸/۹۳	۹/۸۷	۱۰/۹۳	۹/۷۴	۱۰/۶۶	۹/۹۰	۱۶/۸۷	۱۶/۰۶	
وزیر صنعت، معدن و تجارت	۰/۴۷	۰/۲۸	۰/۵۴	۰/۵۳	۰/۴۲	۰/۳۳	۰/۳۶	۰/۳۳	۰/۲۵	۰/۵۳	۰/۶۲	
رئیس صدا و سیما ج.ا.ا.	۰/۹۵	۰/۸۴	۰/۷۴	۰/۸۳	۰/۶۴	۰/۶۲	۰/۶۶	۰/۵۸	۰/۵۸	۰/۵۸	۰/۵۲	



ادامه جدول - طبقه‌بندی قدرت استان‌ها با سه روش، وزن‌دهی ساده، تاپسیس و تاکسونومی

سال استان	۱۳۹۱			۱۳۹۰		
	TAX	TOP	SAW	TAX	TOP	SAW
آذربایجان شرقی	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار
آذربایجان غربی	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	کم برخوردار	نیمه برخوردار	کم برخوردار
اردبیل	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار
اصفهان	پربرخوردار	نیمه برخوردار	پربرخوردار	پربرخوردار	پربرخوردار	پربرخوردار
البرز	محروم	محروم	محروم	محروم	محروم	محروم
ایلام	محروم	محروم	محروم	محروم	محروم	محروم
بوشهر	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	محروم	محروم	محروم
تهران	پربرخوردار	پربرخوردار	پربرخوردار	پربرخوردار	پربرخوردار	پربرخوردار
چهارمحال و بختیاری	محروم	محروم	محروم	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار
خراسان جنوبی	کم برخوردار	نیمه برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	نیمه برخوردار	کم برخوردار
خراسان رضوی	پربرخوردار	پربرخوردار	پربرخوردار	پربرخوردار	پربرخوردار	پربرخوردار
خراسان شمالی	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار
خوزستان	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار
زنجان	محروم	محروم	محروم	محروم	محروم	محروم
سمنان	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار
سیستان و بلوچستان	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	محروم	محروم	محروم
فارس	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار
قزوین	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار
قم	کم برخوردار	نیمه برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار
کردستان	محروم	محروم	محروم	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار
کرمان	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار
کرمانشاه	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	کم برخوردار	نیمه برخوردار	کم برخوردار
کهگیلویه و بویراحمد	محروم	محروم	محروم	محروم	محروم	محروم
گلستان	کم برخوردار	نیمه برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	نیمه برخوردار	کم برخوردار
گیلان	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار
لرستان	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار
مازندران	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار
مرکزی	کم برخوردار	نیمه برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	نیمه برخوردار	کم برخوردار
هرمزگان	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار
همدان	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار
یزد	کم برخوردار	نیمه برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	نیمه برخوردار	کم برخوردار

ادامه جدول - طبقه‌بندی قدرت استان‌ها با سه روش، وزن‌دهی ساده، تاپسیس و تاکسونومی

سال استان	۱۳۹۴			۱۳۹۵		
	TAX	TOP	SAW	TAX	TOP	SAW
آذربایجان شرقی	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار
آذربایجان غربی	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار
اردبیل	محروم	محروم	محروم	محروم	محروم	محروم
اصفهان	پربرخوردار	پربرخوردار	پربرخوردار	پربرخوردار	پربرخوردار	پربرخوردار
البرز	محروم	محروم	محروم	محروم	محروم	محروم
ایلام	محروم	محروم	محروم	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار
بوشهر	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار
تهران	پربرخوردار	پربرخوردار	پربرخوردار	پربرخوردار	پربرخوردار	پربرخوردار
چهارمحال و بختیاری	محروم	محروم	محروم	محروم	محروم	محروم
خراسان جنوبی	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار
خراسان رضوی	نیمه برخوردار	پربرخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار
خراسان شمالی	کم برخوردار	نیمه برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار
خوزستان	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار
زنجان	محروم	محروم	محروم	محروم	محروم	محروم
سمنان	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	پربرخوردار	نیمه برخوردار
سیستان و بلوچستان	محروم	محروم	محروم	محروم	محروم	محروم
فارس	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار
قزوین	محروم	محروم	محروم	محروم	محروم	محروم
قم	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار
کردستان	محروم	محروم	محروم	محروم	محروم	محروم
کرمان	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار
کرمانشاه	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار
کهگیلویه و بویراحمد	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار
گلستان	محروم	محروم	محروم	محروم	محروم	محروم
گیلان	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار
لرستان	محروم	محروم	محروم	محروم	محروم	محروم
مازندران	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار
مرکزی	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار
هرمزگان	محروم	محروم	محروم	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار
همدان	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار
یزد	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	نیمه برخوردار	کم برخوردار

ادامه جدول - طبقه‌بندی قدرت استان‌ها با سه روش، وزن‌دهی ساده، تاپسیس و تاکسونومی

سال استان	۱۳۹۷			۱۳۹۶		
	TAX	TOP	SAW	TAX	TOP	SAW
آذربایجان شرقی	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار
آذربایجان غربی	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	نیمه برخوردار	کم برخوردار
اردبیل	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	محروم	محروم	محروم
اصفهان	پربرخوردار	پربرخوردار	پربرخوردار	پربرخوردار	پربرخوردار	پربرخوردار
البرز	محروم	محروم	محروم	محروم	محروم	محروم
ایلام	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار
بوشهر	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	محروم	محروم	محروم
تهران	پربرخوردار	پربرخوردار	پربرخوردار	پربرخوردار	پربرخوردار	پربرخوردار
چهارمحال و بختیاری	محروم	محروم	محروم	محروم	محروم	محروم
خراسان جنوبی	کم برخوردار	نیمه برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	نیمه برخوردار	کم برخوردار
خراسان رضوی	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	پربرخوردار	نیمه برخوردار	پربرخوردار
خراسان شمالی	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار
خوزستان	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار
زنجان	کم برخوردار	نیمه برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	نیمه برخوردار	کم برخوردار
سمنان	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار
سیستان و بلوچستان	محروم	محروم	محروم	محروم	محروم	محروم
فارس	نیمه برخوردار	پربرخوردار	نیمه برخوردار	پربرخوردار	پربرخوردار	پربرخوردار
قزوین	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	محروم	محروم	محروم
قم	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار
کردستان	محروم	محروم	محروم	محروم	محروم	محروم
کرمان	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار
کرمانشاه	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	نیمه برخوردار	کم برخوردار
کهگیلویه و بویراحمد	کم برخوردار	نیمه برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار
گلستان	محروم	محروم	محروم	محروم	محروم	محروم
گیلان	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	نیمه برخوردار	کم برخوردار
لرستان	محروم	محروم	محروم	محروم	محروم	محروم
مازندران	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار
مرکزی	کم برخوردار	نیمه برخوردار	کم برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار
هرمزگان	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	محروم	محروم	محروم
همدان	کم برخوردار	نیمه برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار
یزد	کم برخوردار	نیمه برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار

ادامه جدول - طبقه‌بندی قدرت استان‌ها با سه روش، وزن‌دهی ساده، تاپسیس و تاکسونومی

TAX	۱۳۹۸		سال استان
	TOP	SAW	
نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	آذربایجان شرقی
محروم	محروم	محروم	آذربایجان غربی
نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	اردبیل
پربرخوردار	پربرخوردار	پربرخوردار	اصفهان
محروم	محروم	محروم	البرز
کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	ایلام
کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	بوشهر
پربرخوردار	پربرخوردار	پربرخوردار	تهران
کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	چهارمحال و بختیاری
کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	خراسان جنوبی
پربرخوردار	پربرخوردار	پربرخوردار	خراسان رضوی
کم برخوردار	نیمه برخوردار	کم برخوردار	خراسان شمالی
نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	خوزستان
کم برخوردار	نیمه برخوردار	کم برخوردار	زنجان
نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	سمنان
محروم	محروم	محروم	سیستان و بلوچستان
نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	فارس
محروم	محروم	محروم	قزوین
نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	قم
محروم	محروم	محروم	کردستان
نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	کرمان
کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	کرمانشاه
محروم	محروم	محروم	کهگیلویه و بویراحمد
محروم	محروم	محروم	گلستان
کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	گیلان
کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	لرستان
نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	نیمه برخوردار	مازندران
کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	مرکزی
محروم	محروم	محروم	هرمزگان
کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	همدان
کم برخوردار	کم برخوردار	کم برخوردار	یزد

استناد به این مقاله: شاه‌محمدی، ابوالفضل، فیض‌پور، محمدعلی، حاج‌امینی، مهد، عابدی اردکانی، محمد. (۱۴۰۱). اندازه‌گیری نابرابری‌های فضایی قدرت در ایران: ماتریس قدرت اقتصادی-سیاسی، پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۲۷ (۹۳)، ۲۲۱-۲۷۱.



Iranian Journal of Economic Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.